

آن وقت لابداً باید برگردند بطریق اول - اجملاً آنچه  
 هند که معشوقه عالی است بدیگران کرده بیانتن از  
 قوه ما بیرون است حالا ملاحظه شود اندک مضامین آنها  
 که به ایران وارد آورده - آمدن (ملکم) بایران در سر  
 این مسئله بود که با الفاظ شیرین و وعده های دروغین  
 و تمهیدهای بی با ایران را صد سال عقب انداخت  
 و همسایگان او را صد سال جلو - حمله بر محوره در سر  
 این سودا بود - رفتن هرات بخاطر هندشد - وداع کردن  
 هو ثلث بلوچستان برای هندوستان است - ایران که از هر  
 گونه تمدن و ترقی محروم مانده سوای این مسئله  
 سبب دیگر ندارد - ایرانکه ملک یک فرسخ راه آهن  
 یا یک قاریک یا یک معلم خانه نیست و ده فوج سرباز  
 تربیت شده ندارد و قانون ندارد و هیچ نیست و هیچ ندارد  
 و این ملت نجیب را بدین حال عجیب انداخت همه سبب  
 هند شده و هنوز در میان این دو رقیب مانده - ندایم چه  
 باید کردن اگر با یکی بسازیم و بسای کاری بگذاریم آن  
 دیگری بر هم میزند اگر خواهیم خود اقدام بعملی نمایم  
 از دو طرف صدا میکند صبر کن نخودشان اسباب آبادی  
 و خوش بختی فراهم می آورند به میکنند خودمان  
 بکارهای مفیده دست زیم - امرای بی اصف ساکاه راه  
 رفته را بلاسب برگشته اند و گاهی بنوازشات ابله فریانه  
 ایشان بخود بالیده اند - هماره یک انگشت نمای دیگران  
 لرزنده گهی منافع کلی را در عوض مداخل حزبی بر باد  
 داده یکی طرفدار این شده دیگری جانب دار آن -  
 رسیده است کار باین درجه که عیناً می بیند چیزهاییکه  
 نباید به یقین و جای هیچ انکار نیست - اگر باین حال  
 بماند جای شکر است این قدر هست که عاشق می آید از  
 معشوقه خود دست بردار نخواهد شد از هر راه که باشد  
 باید خود را به یار خود برساند گویا زبان حالش بدین  
 مقال مترنم است

دست از طلب ندوم تا کام دل بر آید  
 یا جان رسد بجسمان یا جان زین در آید

دیگر ریاده از این جسارت از مثل بنده بی اطلاعی  
 و بیخبرست طاقت کار را بفرم متین خره بین وکلای  
 دربار گردون مدار دولت علیه ایران و امیدگذاریم  
 بی عجب آینه حقیقت نیست تقه جالبه مملکت

رگوریا اندک توجه لازم است

این صاحب عقل چشتم عبرت بگفتا  
 وی صاحب هوش قدر این نسخه بدان  
 وی آنکه ترا دیده عبرت بین است  
 حال دل کم گشته از این لوحه بخوان  
 (مخلص شاع - م)

ترجمه از روزنامه بانبر

ژاپونیان ازین رو در معاملات بندر آرتر  
 خوشی اختیار کرده اند که تا انجام مقصود جنرل  
 (کروبانسکن) سه سال در روس از خیالات آنان  
 واقف نباشد تا بر بندر (آرتر) حمله غیر موقه  
 نمایند و بدوا جمیع ابواب چاره را بر روسیان به بندند  
 ژاپون بعد از قبضه بر بندر آرتر از (نیوجوانک) تا  
 بندر مذکور راه های آهن را متصرف خواهد شد -  
 و در بندن (دالنی) کالسکه های راه آهن و سایر لوازمات  
 و کارخانه کالسکه سازی دائر کرده و تمام اسبابهای راه  
 آهن روس را نیز ضبط نموده اند هر گاه بخواموشی  
 بدین آرزوها نائل شوند کار بر روسیان خیلی تنگ  
 خواهد شد

ترجمه از ادوکت آف ادیا

خبریکه درباره اتصالات سی هزار ژاپون در بندر  
 آرتر از پترسبرگ رسیده از روی قیاس قرین بصواب  
 نتواند بود چه بنیاد این خبر از آن تلگرافی است که از  
 (جیفو) آمده که شب دهم دو آواز بسیار مهیبی از  
 بندر آرتر اصنی شد باید دانست که فاصله بندر  
 آرتر تا جیفو بخط مستقیم هفتاد و هفت میل است  
 و ابدا عقل قبول نمیکند با این فاصله چنین آوازی را  
 از بندر آرتر توان شنید میتوان گفت اینقدر باروت  
 که تا این فاصله بعید آوازش برسد در میدان جنگ  
 اقصای شرق موجود نباشد (جیفو) مقام شهری است  
 که چنین خوابها در او دیده می شود و غالب اخبارات  
 بی اصل تا کنون از جیفو اشاعت یافته است

ترجمه از اخبار هرک

هرگاه جهازات جنگی روس که در دریای (بالتیک)  
 است قبل از آنکه ژاپون بندر آرتر را متصرف شود  
 در دریای اقصای شرق وارد کردند - تقه جنگ  
 تبدیل کلی خواهد یافت - ولی چون مسافت بسیار

و آمدن آن جہازات دشوار است ابداً ژاپنیان بدین تصور نیستند - تاریخ میناید از وقتی که دولت و ملت ژاپون پای بدامنه ترقی و تمدن نهاده از روی عقل و هوشیاری و مال اندیشی در هر میدان فاتح و فیروزمند بوده اند - و از قرائن چنان مستفاد می شود که در این میدان نیز تا آخر منصوریت را قرین باشند و چنان می نماید که طاقت جنرل (کرویاتکن) را با صد هزار لشکریان روس محصور و مقید سازند و یا قسمی کار را بر آنها تنگ نمایند که بقتل خویش مبادرت کنند چرا که ژاپون (کیننگ) را متصرف شد دره (موتین لنگ) را نیز قابض گردید و در صدد تصرف (لیاویانگ) میباشد و نیز بجانب (میدجنگ) حمله کرده فیروزمند شده است در این حال میتوان گفت جنرل (کرویاتکن) با تمام لشکریان روس تا یک اندازه امروزه در محاصره آمد ولی بطریق دائره بسیار وسیعی - نه امید مدد و تأیید از جانب شمال دارند و نه امید رسیدن کمک به بندر (آرتھر) است - چنان مینماید که ژاپنیان درین میدان جنگی نمایند که تاکنون نه نظیرش در تاریخ و نه کسی بچشم دیده باشد - و این جنگ اقتدار روس را در منچوریا وغالب آسیا خاتمه خواهد ساخت - جنرل (کرویاتکن) از استخلاص بندر (آرتھر) مایوس و منتظر است کی خبر فتح ژاپون برسد - میگویند هر وقت امیرالبحر (توگو) از دریا با تمام قوت خود و جنرل (کروکی) و (توگو) از خشکی با صد هزار نفر حمله بر بندر (آرتھر) نمایند فتح بندر (آرتھر) را چنان آسان نمود و هم اسارت جنرل (کرویاتکن) را - زیاد بر یک ماه قبلاً بندر (آرتھر) و گرفتاری جنرل (کرویاتکن) را قاصد نخواهد بود - معلوم نیست پیش گوئی که روسها درباره فتوح خود در آگست ماه آینده زده بچه اصول بوده است - و حال آنکه گمان میرود که اگر تا آ وقت جنگ ختم شود فتح ژاپون مسلم خواهد گردید

بقیه تکرافات

( ۴ ربیع الثانی - ۱۸ جولائی )

§ از (توکیو) خبر رسیده تصرف ژاپون (نیوچوانگ) را رسب داشته و این خبر قبل از وقت اشاعت یافته است - از بعد تصرف ژاپون (کیننگ) را لشکریان ژاپونی انقباض می دانستند

§ جہاز جنگی روس (سیوج) در چهل میل ساحل لیاویانگ رسیده است

§ نوزده وقایع نگاران اخبارات از (توکیو) اجازت یافته که در بندر (آرتھر) بروند و بجانب مقصود حرکت کردند

§ در فهرستی که دولت ژاپون بسفیر چین درباره حکومت منچوریا پیش نموده ذکر شده است که انتظام حکومت منچوریا را ژاپون به تأیید قهون چینی خواهد نمود

§ جہاز تجارتنی انگلیس (وی باره) وارد عدن شده ظاهر میدارد که جہاز کزما روس (پتسبرگ) چهار ساعت کامل او را معطل داشت و جہاز (ملکه) را که علو از اسباب جنگ برای هنگانگ بود با سم اینک برای ژاپون حمل نموده بتاریخ چهاردهم گرفتار نمود

§ وقایع نگار اخبار (دیلی میل) از (سنگاپور) خبر میدهد که یک جہاز جنگی با دو کشتی کزما ژاپون جہاز (ملکه) را یوم جمعه بجانب مغرب در حرکت دیده اند و چنان تصور می شود که این جہازات ژاپون بقصد گرفتاری جہازاتیکه روس از بحر احمر بدین جانب حرکت داده سعی اند

§ کشتی (پرشیا) نام انگلیس را جہاز جنگی روس (سموانسک) که حامل پست و بجانب بمبئی می آمد در بحر احمر گرفتار کرده یک ساعت معطل نموده و دسته کاغذات و امانات که متعلق ژاپون بود بدوا گرفته سپس هودت دادند و خطوط (تاسکاسکی) را باز نداده است

§ دولت آلمان من باب گرفتاری جہاز (پرس هنریج) در پوتسدام شکایت نموده است

§ دولت انگلیس از کار نموده که در جہاز (ملکه) هیچ سلطان برای ژاپون نبوده حمل او تماماً برای (هنگانگ) میباشد

§ مخبر (روتھر) می نویسد که یکی از جہازات کزما ژاپون یک فروند جہاز روس را که از (چیگو) بجانب بندر آرتھر در حرکت بود گرفته نقشجات جنگ

و کاغذات سری خیلی بدست ژاپون آمده است

§ بموجب رپورتی که جنرل (کروکی) ژاپون میدهد که جنرل (کلاری) علی الصباح قبل از روشن شدن



بر دره ( موتین لنگ ) حمله نموده ولی ژاپونیان با نهایت موشیاری لشکریان روس را عقب نشاندند

( ۵ ربیع الثانی - ۱۹ جولائی )

§ وقایع نگار اخبار ( دلی میل ) از عدن خبر میدهد که در بحر اصرر جہاز ( اودوکوک ) و ( دالمایہ ) را سه ساعت روسها مصل نمودند

§ چنان تصور میشود که جہاز ملکہ را برای تحقیقات لازمه می‌برد جہاز ( ملکہ ) وارد سوئز شد در حالتیکہ با نشان روس و تحت نگرانی چند جہازات او بود

§ جنرل ( کرویاتکن ) سپہسالار روس تصدیق شکست یافتن جنرل ( کلاری ) را در دره ( موتین لنگ ) بدین قسم مینماید کہ درین جنگ با افواج ذخیره پچاه هزار قشون روس از سه جانب دره حمله نمودند - عدد دشمن را زیاد یافته ناچار عقب نشستند ساعت یازده شب آغاز جنگ و شانزده ساعت طول کشید هزار نفر از روسیان بقتل رسیدند

( ۶ ربیع الثانی - ۲۰ جولائی )

§ دستہ جہازات ( ولادی و دسک ) روس از آبهای ( ننگکور ) گذشتہ وارد ( بسفک ) شدہ و یک کشتی تجارتی ژاپون را گرفتار کرده اند

§ ژاپونیان یک جہاز انگلیس کہ از شنگان بجانب ( نیوجوانگ ) حرکت داشت بشبه گرفتار کرده‌اند § در ( پتوسبرگ ) شهرت دارد کہ جہاز ( ملکہ ) را برای تحقیق در ( سیواسپتول ) خواهند برد

§ مخبر ( روتر ) از ( چیفو ) خبر میدهد کہ چینیان بندر ( آرہر ) بیسان می‌نمایند کہ چهار ہزار نفر ژاپونیان در بندر ( آرہر ) بقتل رسیدند - لشکریان ژاپون حمله بر یکی از قلای نمودہ متصرف شدند و روسها قبل از آنیکہ مدد بانہا برسد قلعه را احاطہ کردہ بدریغہ سرنگ و نارنجک چہار ہزار ژاپونیان را بقتل رسانیدند

§ مخبر ( روتر ) از بادکوبہ خبر میدهد کہ درءالک متوسطہ ایران مرض ہیضہ شیوع پیدا کردہ چنانچہ سہ چہ روز در طهران نصد نفر ازین مرض رنج زندگی بر بسته دواب روس از خوف سرایت از سد ابواب آمد و شد اروایانرا بروسیہ نمودہ است

( ۷ جمادی الاول - ۲۱ جولائی )

§ بموجب تلگرافیکہ بہ اخبار ( انگلیشمن ) رسیدہ روسها جہاز ( ملکہ ) را مرخص نمودند

§ از تلگراف مخصوصیکہ بہ روزنامہ ( بانیر ) رسیدہ ظاہر میشود کہ دولت انگلیس حکم دادہ کہ چند جہاز جنگی در بندر ( سید ) فرستند و از دولت روس رسماً باز خواست شدہ و علت گرفتاری جہاز ( ملکہ ) را خواستہ و چگونگی را سخت طلب کردہ است کہ بچہ قسم جہازات جنگی او از بوزاز واردنلز عبور نمودہ‌اند

§ از اخبارات رسمی روسیہ ظاہر میشود کہ اردوی جنرل ( کروکی ) میسرہ قشون روس را از جای کنده بجانب مگدن پیشقدمی نمودند

§ در امریکا عقیدہ جہی رآن است کہ دستہ جہازات ( ولادی و دسک ) روس در تلاش و گرفتاری جہاز امریکا حرکت کردہ و این امر مورث فتنہ و آشوب بزرگ خواهد گردید

§ اخبار ( دلی تلگراف ) می‌نویسد کہ دولت انگلیس دولت روس را آگاهی دادہ کہ اگر جہازات گزرمہ او از حرکات غیر مشروعہ باز نیابند و اسباب زحمت جہازات تجارتی انگلیس شوند دولت انگلیس رسماً جہازات گزرمہ روسیہ را دزدان دریایی شناختہ بدفع آمان کوشیدہ و بدان حرم آنها را سزا خواهد بخشید ( ۸ جمادی الاول - ۲۲ جولائی )

§ در لندن افواہ است کہ اعتراض دولت انگلیس در حرکات بی‌قاعدہ جہازات گزرمہ روس در مادہ ( ملکہ ) نہ فقط جہازات روس را ازین حرکات باز خواهد داشت بلکہ مصمم است دولت انگلیس کہ جہازات گزرمہ روس را از ملاحظہ کاغذاتیکہ جہازات انگلیس حامل اند و قابلاً رخصت ملاحظہ دارند مانع گردد

§ دستہ جہازات جنگی انگلیس از ( مدیترانہ ) وارد اسکندریہ شد

§ مخبر ( روتر ) از ( توکیو ) خبر میدهد کہ جنرل ( کروکی ) رسماً اطلاع دادہ کہ پس از جنگی بسیار سخت ژاپونیان ( کیوشنگ ) را از قبضہ روسیان بیرون کردہ متصرف شدہ - قلعه بندری و سنگر روسان بسیار استوار و محکم بود و دلیرانہ در جلو حمله خصم

استادند مقتولین ژاپون در این جنگ سیصد نفر بشمار آمده است

§ خبر (روتر) از اردوی مرکزی جنرال (کروکی) خبر میدهد که در جنگ (چین تو) که در شمال دره (موتین لنگ) واقع است روسها شکست فاحش یافته اند در این میدان قشون روس نسبت بژاپون زیاد و بقدری از روسها سخته شدند که دفن آنان دشوار بود سرداران روسی احساد را جمع نموده آتش زدند

§ خبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که به تصدیق بیوسته که در جنگ (کیونسنگ) که در شرق (ایتینگ) واقع است روسها را ژاپونیان سخت شکست دادند این جنگ بتاريخ ۱۸ شروع و نوزدهم ختم گردید از ژاپونیان چهارصد و بیست و از روسیان يك هزار نفر قتل رسیدند

( ۹ جمادی الاول - ۲۳ جولائی )

§ در جنگ (چین تو) قشون روس بجهت فوج و دارای سی و دو صرافه توب بودند و جایگاه آنها کوهی بود بسیار منیع که ارتفاعش (۲۰۰۰) درج بود از يك طرف دره بسیار عمیق و از طرف دیگر رودخانه و حز يك راه ناریک نداشت معذالك ژاپونها روسیان را شکست داده آن مقام مرتفع منیع را متصرف شدند

§ خبر (روتر) از اردوی جنرال (کروکی) خبر میدهد که از پنج روز باین طرف نتیجه جنگهای مختلف این شد که ژاپونیان مقامات قیمه چند را از روسیان متصرف شدند و لشکریان روس جاهای بسیار محکم که پیش قلعه (مگدن) و (لیاژیانگ) بود از دست داده بقبضه ژاپون درآمد

§ خبر (روتر) از (سویز) خبر میدهد که يك فروند کشتی تجارتي آلمان تحت انگرانی و دید بانی ملاحین روس وارد (سویز) گردید این جهاز را نیز کشتی های کزمه روس گرفتار کرده اند

§ خبر (روتر) از (پتسبرگ) خبر میدهد که دولت روس بحواب دولت انگلیس منسب گرفتاری جهاز (ماکه) اطهار داشته که جهاز مذکور را در يك بندری برده در حضور قوسل انگلیس تلاش و

تدارك نمایند

§ يك فرود جهاز جنگی انگلیس (ویس) از اسکندریه وارد بندر (سید) گردید و دو فروند جهاز کزمه او نیز از اسکندریه به بندر (سید) روانه شد مانند عتیقه جی بر این است که جهازات مذکوره برای محافظه جهازات تجارتي انگلیس در دریای احمر توقف خواهند نمود

§ يك جهاز موشک انگلیس روانه بندر سید شد § جهاز (پتسبرگ) که از جهازات کزمه روس است بختیبه گذشته وارد جده گردید

§ سپهسالار روس جنرال (کرویاتکن) رپورت میدهد که لشکریان روس بتاريخ هفدهم شهر جاری بر دره (سبی لنگ) حمله نموده با تلفات دویمت و سی و سه نفر عقب نشستند

( ۱۰ جمادی الاول - ۲۴ جولائی )

§ خبر (روتر) از پتسبرگ خبر میدهد که چهار تجارتي انگلیس (آرلو باکو) که بجانب منبلا و ژاپون در حرکت بود جهاز جنگی روس در دریای احمر جلو گرفت درین باب وزیر خارجه روس (کونت لسدروف) رسماً معذرت خواسته که از حکم روس که نباید متعرض جهازات انگلیسی شوند جهازات مذکوره بی خبر بوده اند

§ دیروز در صارت (گراند دیوک الیکس) در پتسبرگ مجلس شورای من باب حرکات جهازات جنگی روس در بحر احمر شده وزیر خارجه روس (کونت لسدروف) نیز در آن مجلس حاضر بوده رای بر این قرار گرفت که جهازات جنگی روس را از دریای احمر طلب نمایند - زاین خبر قابل اعتماد و تصدیق ابدان نیست

§ (کونت پولو) آلمانی مقبض گرفتاری جهاز (لسکاندیا) بدربار روس شکایت نموده دولت روس وعده صریح دوباره تدارکات کافی داده است

§ جهاز جنگی انگلیس (الی ماری) بموارد بندر (سید) و داخل در کنال (سویز) خواهد گردید

§ دست جهازات (ولادی و دسک) روس درسی میلی جنوب (ادزو) قریب ساحل دیده شده که بجانب جنوب در حرکت بوده اند



جبل المتین کلکتہ

مدیر کل کالج استریت نمبر ۴

کلیہ امور ادارہ با

مدیر کل مؤید الا سلام است

متنظم ادارہ

آغا محمد جواد شیرازی است

هر دو شنبه طبع

رسمه شنبه توزیع میشود

تاریخ دوشنبه

۱۸ جمادی اول (۱۳۲۲)

مصادف با

۱۰ اگست ۱۹۰۴ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را با حدی تسلیم نماید)

روزنامه مقدس

قیمت اشتراک

(سالانه - شش ماهه)

هند - و برمه

(۱۲ روپه ۷ روپه)

ایران - افغانستان

(۴۰ قران ۵ قران)

عثمانی - و مصر

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

اروپا و چین

(۳۰ فرانک ۱۷ فرانک)

روس - و ترکستان

(۱۰ منات - ۶ منات)

# جبل المتین

سنه ۱۳۱۱

در این حریده از هرگوه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی محت میشود  
چون مراسلات تام المنعمه معبول و در انتشارش اداره آراست (۹)

## فهرست مندرجات

- مرض هیضه ایران • قابل ملاحظه رترین عتبات
- حالیات • سیاسی • مکتوب از ماهان • جبل المتین
- فتیه مکتوب یکی از فصلای نامدار • مکتوب یکی از
- دانش پژوهان • مکتوب • مکتوب یکی از مبصرین
- قابل توجه جوانان • ترجمه از روزنامه طمس عبثی
- ایضاً • اصلاحات جدید • مکتوب از طهران
- مکتوب از بمبئی • مکتوب از انزلی • خطاه
- تلکرافات • بوشهر • قرضه جدید حکومت هند
- قزاقستان • نبت • مکات

## مرض هیضه ایران

از تلکراف هفته گذشته (روتر) از یادکوه  
من باب شدت و پای ایران خصوصاً در طهران رسیده  
بود ایرانیان بسیار معوش گردیده اند پس از تحقیقات  
دارم اداره معلوم شد هیاهوی مرض در داخله  
بوده است همان حکایت بک کلاغ چهل کلاغ است  
نمانش نکشت شمار بوده مقصود آن است که اینگونه  
تشار اخبار روتر وانگی از روسیه برسد عمل  
نماید و عالی از فرقی و غلو نباید تصور کرد اسباب  
تشار اخبار روتر وانگی از روسیه برسد عمل

## قابل ملاحظه زائرین عتبات عالیات

در شماره های قبل اعلامی که از وزارت خارجه  
هند با صورت تلگرافی که از جنرال قوسل انگلیس  
مقیم بغداد رسیده بود درج نمودیم که مع زائرین  
عتبات از حرکت بحاج عراق من باب بیماری  
شده بود تلگرافیکه از وزارت خارجه ایران محکم  
ولایات ایران درین ماه رسیده دیلاً نگاشته می شود

حساب الامر ایران در مدت یکسال روار عتبات  
اررقن بقرات بک بواسطه مرض درحاقین و بعضی از  
بلاد عثمانی و تا امی راهما بموعند در حقیقت این مع که  
فرموده اند برای حفظ جان آنهاست الله تحلف ورزند

## سیاسی

چنانچه در شماره های قبل اشاره نمودیم چون رجال  
دولت روس غلبه ژاپون را در مسجوریا و مغوییت  
خوبش را در اقصای شرق یقین نموده با همه تدبیر  
سای اند که جنگ را همی و ابتلای بحرب را  
عمومیت بخشد - حرکات جسورانه و اقدامات متراکه  
از خود گذشته روس با لغای جنگ همی را  
جهوت می نماید - این امر از مسلمات اولیه است که  
دولت روس را در دریا با مقابلهت با میخک

متورانه از بابتل است نمیشد. پس حرکات (والنتیر) در دریای اهر با دو فرزند جهاز روش که در قطار کشتیهای جنگی بشمار نمی آورند این میدارد که دولت مشارالیه را ازین حرکات رادۀ دیگر است - یعنی بیحوادث دولت انگلیس را ستوه آورده تا در دفع احضافات وی اقدام کرده بدین ماه دولت فرانسه را از روی مامد بشمولیت جنگ مجبور نماید و چون دولت فرانسه بشمولیت جنگ ناچار شود و با انگلیس از در مناقشه برخیزد از تصور خارج می نماید که امریکا و آلمان که تا اندازه با روس و ژاپون متعهداند در جنگ بی طرفی اختیار نمایند. همی که این چهار دولت مقدر که اگر بحر سیاست و سکان کشتی جنگ و امن شناخته می شوند هم اوستد گمان می رود که هیچ دولت کوچک و اطارت مختصری در اروپا باقی ماند که شراره بیران این جنگ دامن او را فرا نگیرد. می توان گفت اگر در این موقع شایک بود بین دول اروپا نشود جمیع اروپا را از جای خواهد کرد و چون تبا ناروپی به او خواهد پراشد. علاوه بر نفعان تجارت و صناعت و اتلاف عالم عالم نروت یک حصه برگی از هوس اروپا طعمه اجل خواهد گردید این است که با آن شدت غضب مات انگلیس رحال مال اندیش انگلستان تحمل را شمار نموده نامتها درجه قوت تصرف ممدت رضا میدهند و دولت فرانسه با کمال اضطراب در خودگی این آتش رافروخته میدان داری کرده مرید طرف روس و از طرف دیگر انگلیس را از مناقشه و محاربه که مالش برای جمیع اروپا وخیم است باز معذارد - زیرا که چونیکه در شماره های گذشته ذکر کردیم هرگاه در این موقع جنگ عمومی پیش آید اعم از فتح و شکست هر یک ازین دو دولت نقصان عمده آن اول بفرانسه سپس بانگلیس عاید خواهد گردید روسها چون در جنگ عمومی فائده خویش را ملاحظه میکنند هر تدبیر که توانست و بتوانند در اشتغال جنگ مغلوبه خود داری نه نموده و نخواهند نمود - چه اشتغال دول اروپا باین جنگ که هر یک در کمال اتحاد بمقام خود رقیب روس شناخته شده اند از قوت انداخته تا اندازه جبر کسر شکستهای اقصای شرق او خواهد شد -

بر واضح است در صورتیکه روس در اقصای شرقی شکست فاحش بیند اهم بر اینکه از رعب و هیبتی که در قلوب جمیع دول اروپا و آسیا از قرون متوالیه جای داده بود کاسته در قوای جنگی او نیز قوتور دست خواهد داد و هرگاه دول سائره بقواء خود باقی مانده از قدر نشان کاسته نشود - لامحاله تا آن درجه نفوذ کلام برای او باقی نخواهد ماند. و همان سبب خواهد شد که در دول درجه دوم محسوب شده اندک اندک از آن مقام منبیه که از قرینها صراحتا مسلم شده بود بیوقفتد. این است که جمیع سیاسيون را عقیده بر این بوده و هست که هرگاه دولت روس و در جنگ اقصای شرق بقین به شکست خود حاصل شود بهر تدبیر که تواند جنگ را عمومی خواهد نمود - چنانچه از ققوحات ژاپون در اقصای شرق شکست بین روس ظاهر و در چنین موقع حرکات دو جهاز (والنتیر) دولت مشارالیه که در قطار جهازات جنگی نیز بشمار نیست عقاید سیاسيون را تصدیق می نماید. تصور جمعی از سیاسيون بر این است که هرگاه دولت روس موفق به انداختن جنگ عمومی در اروپا بشود نشود از برای نخواهد شدت تا وقتی که با دول دیگر جنگ نموده فتح کرده لکن نسکی را که از جنگ اقصای شرق برخود عاید داشته بزداشد - بعقیده جمعی از سیاسيون هرگاه دولت روس از منچوریا بدون صلح خارج نگردد بدین امید که دوباره با استمداد کافی بر آرد نواح سه چله نماید عملیست خام چه دولت ژاپون که امروزه متدربترین دول با هوش و جنگ بیدار عالم محسوب است بقسمی تعهدات خواهد نمود که مجدداً حمله روس بر منچور حال باشد و تا وقتی که اطعمیان در امنیت آید منچوریا بیدار نکند ممکن نیست که ازین میدان روی نماند و تا وقتی که خوف حمله روس بر منچوریا با باشد دولت ژاپون منچوریا را کاملاً بقبضه روس نخواهد داد

مناسبت میانگیری فرانسه از انگلیس و روس سستی مقام و قوت خصم گمان نمیشد که مناقشه گرفتار جهازات بین روس و انگلیس منحصر باین جنگ عمومی که چه مسلماً دولت فرانسه چون خود را اسطه رافع شد در این میدان شامل در جنگ نخواهد شد و تا آنکه که فرانسه عامل این نفوذ آلمان نیز در جنگ نخواهد شد

عاقبت روشها مجبور خواهند شد بخواستن معذرت و دادن خسارتیکه بر جہازات انگلیسی وارد آورده اند - و نیز دولت انگلیس با تفاق دولتین امریکا و فرانس در شدت انتظام بوغاز ( داردنلز ) بر باب عالی سخت خواهند گرفت - چنانچه از اخبارات جدیدہ دول ثلاثہ بدولت عثمانی ظاهر میگردد کہ در آتیہ چنین موقعی برای هیچیک از دول بدست نخواهد آمد اگرچہ دو جہاز (والتیر) روس با نشانات تجارث از بوغاز گذشتہ ولی نمیتوان تسلیم نمود کہ مرگہ مأمورین بوغاز چشم پوشی نموده بودند جہازات مرپورہ فقط بہ بلند نمودن نشان تجارث نمیتوانست امر را مشتبہ کردہ بگذرد

انقلابات داخلہ و اغتشاشات اندرونی دولت روس بیشتر مایہ باحتکی حواس رجال دربار دولت مشارالہا گردیدہ چند ہفتہ پیش نگذشتہ کہ فرمانفرمای صوبہ (فلند) را بقتل رسانیدند یک ہفتہ پیش نایب الحکومہ (الزبتہ) را کشتند - از تلکرافات این ہفتہ مستفاد میگردد کہ در (پترسبرگ) وزیر داخلہ روس را در سربازار مقبول ساخته اند - این واقعات مسلم است مورب سرعوبیت رجال دولت روس میگردد از طرفی دیگر کسادی بارار تجارت و تخلی پول و قلت حاصلات امسالہ اهالی روسیہ را مشوش داشته - هر قدر جنگ بطول انجامد این بلا یا بیشتر بمملکت روی خواهد آورد - با این ہمہ اسباب ویرانی دولت روس نیز مجبور است کہ برای مصارف جنگ یک میلی معتدہ بر بدی دهقانان و سائر اهالی بیفزاید و باندازہ بردہقانان و رعایای روسیہ تحمیل مالیات و عوارض شدہ کہ دیگر جای تحمل برای آنان باقی نماندہ است - دولت روس از قدیم خاصہ درین مسالہ اخیر عملت کثرت مصارف و قات دخل از داخلہ و خارجہ ضمای زیاد نمود - مات روسیہ نیز در این آن ثروت و تمول نیستند کہ بتوانند در چنین موقعی امور دولت خود ہمراہی نمایند - گذشتہ برابر بپون قوانین روس بسیار سخت خاصہ در بارہ مذاہب مختلفہ و اهالی روسیہ نیز متذکر المذہب اند هیچکدام رعایای روس مانند مال اروپا ہم چنین و ہم افکار با دولت خود نخواهند گردید بلکه نمیتوان گفت کہ سہی قانون دولت ہم مذہبان پادشاہ و اقارب سادت نیز خیر خواه دولت شناختہ نمی

شوند و اختلافات موجودہ ہمہ از روسیان و ہم مذہبان پادشاہ برور نمودہ و آنچه تاکنون از فرقہ (نہایز) دیدہ شدہ ہمہ نصاری ، ہم مذہب پادشاہ بودہ اند - ازینرو میتوان گفت کہ تأییدات ملی کہ مؤید قوای دولت است در این مواقع شاقہ دولت روس را حاصل نمی شود - و همین نکته سبب اصلی و علت غائی اضطرار دولت ، قوت خصم گردیدہ است - چہ حالات امرورہ ملل را موازہ با ایام سلم نمیتوان نمود جمیع ملل حق و حشبان افریقا نیز چشم با آزادی مشروعہ دوخته اند و آزادی مشروع در دولت روسیہ حکم عقارا دارد حتی دولت را اطمینان بکلیتہ امراء و سرداران خود باقی نماندہ و در غالب اغتشاشات اندرونی روس کہ برخلاف دولت بوقوع رسیدہ برخی از رجال بزرگ و سرداران سترک و ارکان خاندان سلطنت را شریک و شامل یافته اند جملہ این مراتب نتیجہ سہی قانون است

واقعات جنگ اقصای شرق تقدم ژاپون را در هر میدان بدرجہ ثابت نمودہ کہ بعضی از اخبارات روس نیز در پردہ و آشکار تمجد از شجاعت و دلاوری ژاپونیان نمودہ تسلیم مینمایند کہ در این میدان روسها شامد فتح را در آغوش سواند گرفت - عدول سیاسیون اروپا از فوحت و رقیات عمیرالمقول ژاپون بحیرت اند چہ قشون روس در طرعامہ اهل حیرت قوی ترین و جری ترین قشون دول موجودہ دول بود - و تجربہ و مشاقی آن در جنگ از درون متوالیہ مسلم و چنار، شہرت داشت کہ لشکران روسی در اطاعت پادشاہ پادشاہ خود - رنج ارجن میگردد - ولی در ممانتہ اشکریان و جنگ حث ژاپون کہ ادا شجاعت و ہادری و قوت و تجربہ نام بردار بودند ، این درجہ مصمحل و نابود و مرعوب و مخوف گردید کہ در شش ماہہ جنگ یک میدر ہم نتوانند شاهد فتھی را در آغوش کنند - مرگہ اشکریان روس بر ژاپون حمله مینمایند و چار شکست میشود - اگر ژاپونیان بر روسیان متاخذ آنرا از جای بر میدارند با اسکدر بعضی میدانہای جنگ مقامہای بسیار مرتفع متبع در قبضہ روسیان بود باز ہم تاب مقاوم نیاورده عقب نشسته اند - در جنگہای چند با اینکہ عدد اشکریان روس زیادہ بر ژاپون بودہ و یقین در فتح ہم داشتند عاقبت شکست دیدند - مثلاً در جنگ (تاکاسما)

بعضی از اخبارات مینویسند که لشکریان روس یکصد و بیست و پنج هزار نفر بوده و ژاپونیان پنجاه هزار و جایگاه منبع و مرتفع و سنگر و استحکامات متین را دارا بودند این امر هم مسلم است که قوت لشکری که حمله بر قلعه خصم می نماید باید زیادتر باشد تا تواند آن قلعه و خصم را مسخر نماید - مع ذلك در چنین میدانی که همه گونه ابواب فتح برای روسیان میسر بود شکست شدید دیده امام محکم (ناشیچو) را از دست داده و دومین سردار روس در جنگ اقصای شرق حترل (سبخاروف) با برخی جنرلهای دیگر محروح شدند - شکست این است که بموجب نگارش اخبارات عده مقتوین روس هم دوگونه بر ژاپون بوده است - در این واقعات عقل حیران است و محل بر هیچ نمیتوان کرد مگر اینکه تصدیق شود - فواره چون بلند شود سرنگون شود (بیزمن نشاء و بذل من یشاء بیده الملك وهو علی کل شیئی قدیر)

فعلاً ژاپونیان در حمله بر بندر آرتر اشتغال دارند و آغاز جنگ بندر (آرتر) از نارنج بست و چهارم شهر ماضی بود که چند فروند سهارات موشک ژاپون در بوعار بندر (آرتر) داخل شده سه کشتیهای از درجه دوم جنگی روس را قطعه قطعه و غرق کرده است عده تاهات روس در این جنگ دریائی تاکنون ظاهر نشده از تکرافات متواتره عیدیه حمله ژاپونیان از حشکی بر بندر (آرتر) طاهر می شود از بعضی اخبارات بلگرانی مترشح است که بندر (آرتر) بقبضه ژاپونیان آمده و روسها سخت متزلزلت خورده اند ولی رسماً این خبر از (بترسبرگ) و (یکوهاما) تصدیق نشده - از آن رامیکه بندر (آرتر) بمناسبت حصانت طبیعی و تعمیر قلاع حریبه بوضع جدید اول قلعه متین آسیا نشاء است - علاوه نخبه قشون روس با ذخیره کامل و سیورسات و قورخانه کافی در بندر آرتر محصور اند و عدد محصورین قشون روس را در بندر مذکور از بیست الی هشتاد هزار می نویسند - ازین رو نمیتوان تسلیم نمود که به یورش و حمله چند روزه ژاپون کاملاً مسخر گردد - چون این امر مسلم است که بروز نتایج فتوحات ششماهه ژاپون وقتی است که بندر (آرتر) را فتح نمایند و در عدم فتح بندر (آرتر) ژاپون را

فتح و مقضی المرام تصور نمیتوان کرد فعلاً نمیتوان گفت که ژاپون تا فدای يك ربع قشون خود در فتح بندر (آرتر) ایستاده است ازین رو فتح بندر آرتر بقبضه ژاپونیان از مسلمات اولیه است فقط حرف در این است که آیا در این میدان فتح خواهد شد یا منوط تا راستن میدانهای دیگر است - در هر صورت حملات ژاپون درین کورت بر بندر آرتر خیلی سخت بوده و در يك حمله پنج سردار روس مقتول و جبهل افسر محروح گردیده اند - هرگاه در همین ایام ژاپونیان بندر آرتر را تسخیر نمایند میتوان گفت که چندان جنگ اقصای شرق طول نخواهد کشید - چه دولت ژاپون از یکطرف تا نیوجوانک را متصرف شده - و از طرف دیگر لشکریان ژاپونی تا قرب (لیاؤیانک) و (مکدن) رسیده اند همین قدر که بندر (آرتر) مسخر گردید ژاپونیان با تمام قوت خود بر (لیاؤیانک) و (مکدن) حمله نموده لشکریان روس را از جای بر میدارند - و همین که این دو مقام بقبضه ژاپون آمد رای روسها در منچوریا جایگاه حسین و مقام متین دستیاب نخواهد شد - در صورتیکه مطابق نقشه که از اول جنگ ژاپونیان کشیده جمیع لشکریان روس را محاصره نکرده اسیر نه نمایند - قشون روس باید در کال شتاب و محله راه سیبری را گرفته فرار نمایند - بعد از آنکه بندر (آرتر) بقبضه ژاپون آمد میتوان گفت جنگ اقصای شرق تا شش ماه دیگر طول نخواهد کشید یکی از جنرالان آلمانی اظهار داشته که جمیع نقصانات روس را در جنگ اقصای شرق تا امروز موازنه نتوان کرد با خساره مالی و سیاسی روس در فتح ژاپونیان بر بندر آرتر را - يك حصه عده قروض روسیه در این سنوات اخیره همه جهت صرف بندر (آرتر) گردیده هرگاه بندر (آرتر) از قبضه روس خارج گردد جمیع نقشه جاتی که روسی برای تقدم سیاست و تجارت و نفوذ کله خود در چین بلکه با کشیده بود باطل و باطل خواهد ماند و در آینده تصور نمی شود که با رقیب هوشیاری مانند ژاپون بتواند بر ترقی نمود دولت ژاپون چنان تیره دیدگی که بمجرد فتح بندر آرتر بدوا راه آهن تا (نیوجوانک) مسخر شده لشکری و غیر لشکری را در جبهه



طریق آژاد نماید حصه راه آهن معتبر عقید منچوریا نیز همین شبهه است چون بر این حصه راه آهن ژاپونیان استیلا یابند قبضه آنها بر سایر راههای آهن منچوریا اشکالی ندارد

مدنیست جراند روسی زمزمه مینمایند که هرگاه امیرالبحر روس مجبور شود چهارات جنگی خود را در بندریکه از مستعمرات آلمان است پناه خواهد برد کم کم این مسئله موضوع بحث شده چه عاقبت جنگ را روسها برای خود نیکو نمی بینند چهارات روس تدارک پناه بردن به بندر آلمان را دیده اند اگرچه آلمان چندی قبل رسماً اعلان داده در صورتی هم که چهارات روس بر بندرگاه آلمان پناه برند ترك بر طرفی را در جنگ نخواهد گفت و از مسلك اولیه خویش انحراف نخواهد جست ولی سیاسيون عاقبت بین میدانند که پایه استحکام و صداقت این گوه سخنان در عوالم سیاست چه اندازه است این رو اخبارات ژاپون چون واقعه را قریب دیده این مسئله را سخت موضوع بحث داشته صاف مینویسند که هرگاه دولت آلمان چهارات روس را در پناه خود نگاهدارد ژاپون او را علانیه طرف دار روس تصور کرده و بماهده که بین انگلیس و ژاپون است رجوع خواهد شد ازین رو برخی از سیاسيون را عقیده این است که عاقبت جنگ آلمان مؤید روس شده انگلیس نیز مجبور بمحافه ژاپون خواهد گردد

مکتوب از ماهان ضلع کرمان

یکی از هواداران جبل المتین ننشسته

جناب مؤیدالاسلام - مدتی است بجهت کسب فوضات در جوار مزار کثیر البرکات حضرت شاه معصوم لولی روحی لقرتبه الاده عاوم - یکی از ایشان نسخه شماره ۱۹ جبل المتین را ارمغان فرستاده بود بقدری از این نعمت غیر مترقبه منور شدم که در همان بقعه تبرکه که در حق باعین این خیر دعا کردم بمحمدالله اسباب خیر بجهت اهالی اینمکتب فراهم است ورود جبل المتین خیر اخبار مقدس اسلامی ملی و خیر خواه دولت ابدی بیوقوفی که در حق نیک بخنی طلا میباشد زیرا که صم و تقرب است ای عالم خوب بخارم و نهانتم شکر بیاغی عجزات بی عظمت بنام اختراجه

بی برده خاصه حضرت اشرف والاشاهزاده وزیر اعظم که نیک بخنی یک ملت و سعادت یکدوات امروزه در قبضه اقتدار ایمان است - اگرچه هنوز اهالی بیمنافع اخبار نبرده مثلاً در مملکتی که یک کرور جمعیت دارد مثل کرمان و بلوچستان شیدم محدودی پیشی جراند فارسی در شهر و بلوکات اشاعت نمیشود هزار افسوس مگر باز بومید نباید شد همین قدرم غنیمت است حضرت والا رکن الدوله دام اقباله که جلالت قدر و عظمت شان ایشان محتاج به بیس و تحریر نیست فرمانفرمانی این مملکت تشریف فرمایند

چون کرمان دارالفقرا و اشخاص قادر خلیلی بزرگ در این مملکت بیست حکام ذی احتشام مثل مرحوم فرمانفرمای نصره الدوله - مرحوم ناصر الدوله - مرحوم امیر نظام - مرحوم صاحب دیوان طاب الله تراهم که در این بلد تشریف فرما شده مسلك درویشی و افتادگی را شمار و رأفت و مهربانی را شمار ساخته بلکه اغلب ساده و بدون احزا تشریف آورده با قاطبه اهالی جلیس و مهربان بودند - در کرمان یک نفر نیست که دارای یک بی و براق طلا باشد الشاه الله حضرت والا رکن الدوله نیز همان مسلك را رعایت فرموده با قاطبه رعایا با نهایت مهربانی سلوک خواهند فرمود امروز شرف ورود ارزانی داشته اند بمدها تفصیل حالات ایشان را بعرض خواهد رسانید فی الحقیقه امروز شرف و بزرگی و جلالت در این ایست که رجال دولت ابد مدت ایران اولاً تابع خیالات بلند اعلی حضرت شاهنشاه ججهاء خرد باشند که در مقام مهربانی با عموم فرزندان خانه خود که ایران است هزار درجه از پدر مهربان تراند هیچ همیضه و تلکرافی دیده نشده است که از فقر فقرا بخاتپای مبارک همیون شاهنشاهی مرض شود و موراً جواب از مصدر عظمت صادر نگردد خدایا این سلطان عادل مهربان را پاینده بدار

ثانیاً شرف و بزرگی در این است که در ترقی مملکت و بسط تجسارت و امنیت طرق و آسودگی رعیت و رفع ظلم و ستم از زبردستان و تطاول ضباط و مأمورین بد و بیضا فرمایند و نام نیک باقی گذاوند چه بارة ظلمت است که بنظر حقیر و قلمند آینه عقیل میباشد ولی هر دو آن بر عبت بسیار است

مثل اینکه شخص جزئی وجهی از خباز یا تصاب یا بقال بر خلاف قانون دولت بگیرد که جوای نص جنس خود را بفروشد یا آب قریه را در موتی که باید رعیت محصول خود را بردارد و بدرد مالیات و زندگانی خود زند بگیرد. شاید بجهت ده تومان فایده دوهزار تومان ضرر رعیت خواهد رسید. بچاره رعیت که يك سال زحمت کشیده مخمی افشاند از هزار حور آفات جان بدر برده حالا وقتی است که باید محصول خود را بردارد اگر آب بآن نرسد نصف خواهد شد مالیات و عوارض خود را هم داده است در اینصورت خیلی شاق است کسی آب او را به برد امید است در آینده برای استعمار خاطر مبارك انالت جلیله بعضی جزئیات و قوانین غیر مدوحه را بر سر رسایده باشد

هر حال این زمان شرافت و جلالت در این مطالب است و طادات قدما که يك آجر پیش بیا يك آجر عقب برو منسوخ شده است. خاصه تربیت یافتگان این سلطنت عظمی که الناس علی دین ملوکهم همه بیرو خیالات ملوکانه میباشند نظر بر این جور امور ندارند. آنچه مسموع است چون اسفندیار خان که خدای طایفه بجا قچی که قراسوران راه یزد بود و تفصیل حالات او در حکومت جناب علامه الملك و جناب آصف الدوله مشهور است این اوقات بایستور خاطر نشان حضرت والا رکن الدوله دام اقباله شده که مشارالیه خود باعث اغتشاش راه بوده منها بعضی اموال را که ینسام بوده خورده بعضی را شب برده روز پیدا میسکرد حالت مالی ~~مهم~~ که از دزد بگیرند معلوم است. لذا روز بعد از ورود چون در راه حسن خدمت بخرج میداد با اطمیدان بشهر آمد مشارالیه را با کسان و همراهانش گرفته حبس فرمودند تا بعد از تحقیقات لازمه پاداشت باو داده شود بعضی سباط که رعایا از آنها شاکي بودند معزول فرموده در مقام رسیدگی میباشند و هنوز ترتیب ضبط و بلوگات را داده اند. مما قریب داده خواهد شد

حبل المتین

اجزاء اداره حبل المتین نیز از فرما فرمائی حضرت والا شاهزاده رکن الدوله بکرمان و بلوچستان نهیت میگویند واضح است مملکت کرمان و بلوچستان امروز اهمیت سرحدیش از اغلب ایالتها بزرگ ایران زیاد تر

است نمیتوان این مرحله معظم را کویک شمرده البته شخص بزرگ متقدمین لازم بود که بمسئولیتی این مملکت مأمور شود عین نیز دلیل بر بلندی خیال شخص اول دولت است کمی دخل مناط در بزرگی و جلالت حکومت نیست و حال آنکه کرمان و بلوچستان در صورت آبادی با وجود وسعت و فسحت خاک آن که بکطرف دریای عمان و طرف دیگر خراسان است و اینهمه معادن زر خیز و جنگلهای اسوه بلوچستان و کارای مالالتجاره متعدده از قبیل قالی شال زیره کنبرا کرک و غیره ممکن است بانکه توجه امنسای دولت ابد مدت از تمام ممالک ایران دخل آن زیاد تر شود صفحات تاریخ شاهد بدین سخن است که همیشه این ممالک کت پیه پایه زر خیز بوده است دارای قنوات بسیار و شهر های بزرگ بوده مثل جیرفت - م. - پیرجان - بردسیر که هر کدام بلی تحت سلطانی مقتدر بوده است در موقع خود ذکری از حالت قدیم این مملکت خواهد شد

بقیه مکتوب یکی از فضیلتی نامدار ( از شماره ۴۱ )

بلی تعیین و استقرار هر قانون موقوف به اتفاق آرای عموم است و تحصیل رای عموم افراد محال اینست همیشه در ابتدا دوات قانون اساسی را تأسیس فرموده همه کارها اصلاح میشود زیرا در هر شهر و دیار به اندازه جمعیت آنها چند نفر ز جرك دانایان و معتمدین از طرف عامه خلق با قرعه منتخب و بتوسط وكلاء مزبوره در هر قانون وامری حق شرکت و رضای همگی منظور آمده راه هر گونه سخن بسته میشود و انتخاب ایسگوه وكلا در اروپا با آنها تدابیر تسهیلیه بسیار سحت و دشوار است اما در ممالک ایران این امر با کمال سهولت میسر است زیرا ملت مطیع و مقلد آنها میباشند و جمیع اعمال و خیالشان بسته برای و تصدیق حکم اسلام است و اساطین دین نیز از ایجابات مجبوی آن بجهت اعلائی که بادوات همراه پس محض آنکه دولت اراده فرماید بجهت بقای دین و دولت و فرام نمودن اسباب و امیت تشکیلی مجلس مبعوثان شود اساطین دین همه سر اقیاد پیش آورند از اطراف و ایکنافه مملکت منتخبین

آورد که در اینصورت رأی عموم رعایت و اسباب سعادت از هر حبه فراهم خواهد آمد  
 تا امروز خاندان دین و دولت همیشه اجنبیه بعضی  
 اجرای مقاصد فاسده خود دولت را بدعت انداخته و  
 نگذارده از وجود مسعود حجج اسلام فواید عظیمی که  
 خداوند در وجود مبارکشان بودیده نهاده استفاده نمایند  
 برخی فرنگی مآبان که بحسب کبی فطرت بیبچیک  
 از افعال و اقوال نیک فرنگیان ابداء رغبت نموده اند  
 و علاوه بر آن از محاکمه تاریخ بجزند و از سبب  
 اقدامات مال دردم و رفع برخی موانع بکلی بی اطلاع  
 با عدم بصیرت بقیده فاسدیکه کسب نموده اند بر این  
 اعتقادند که سطوت علما مانع یشرفتم امور دولت است  
 و باید مانند فراسه قوه روحانی را مصحح نمود تا  
 مقاصد دولت اجرا شود

گفت بابا خوب ورد آورده

لیک سوراخ دماکم کرده

اگر از کردار و رفتار رؤسای روحانی فرانسه  
 با خبر بودند که تا چه پایه بصف دولت و اسارت  
 مات میکوشیدند و بچه بی ناموسها و وحشیکریها اقدام  
 می نمودند هیچکس در مقابل آنان مالک هیچ نبود  
 دنیا سهل است خود را مالک بهشت و دوزخ میدانستند  
 و هیچ حکمرانی قادر نبود که از میل آنان تجاوز  
 ورزد این بود که مات و دولت بمحو قوت آنان یکدل  
 و یکجهت شدند - ولی علما ائمه عشر کثرت  
 امثالهم بر هر دانا و نادان معلوم است چه خدمتها  
 بدولت و ملت نمودند دولت شیمه بقوت آنان  
 تشکیل یافت و دائم در اعتلای دولت همه گونه  
 مصیبت را بر خود هموار نموده اند و آنانیکه دارای  
 این عقیده فاسده هستند خوب است قدری تا تاریخ  
 نمایند دائم وزرای ملوک که باز سلطنت شده اند  
 علما بوده اند تا هنگامیکه ما مدر شورای سلاطین  
 ما بودند دولت ما آنا قائل به اعتلای بود اگر خواسته  
 باشد زمان شاه سلطان حسین را برهان عقاید فاسده  
 قرار دهند آنگاه از عدم بجزی است حیف که  
 هم چنین قویان بجزیه آن رمان را در اینجا بیان  
 بلکه میتوان گفت که سبب آن تنگ که بود همینقدر  
 پادشاه و القاب سلاطین و بخل و نارسنی و کلا هیچ چیز

سبب آن تنگ نسکردید و باید بداندت فخرش ما از  
 اساطین دین برخی ملاما بستند که شریعت را دست  
 آویز و بر همه چیز مردم میسارند مقصود ما علمای  
 هستند که جز ترویج شریعت قصد و اراده ندارند و  
 بهیچ چیز دنیا فریب نمی خورند و شوکت دولت را  
 جهت حفظ شریعت از روی بصیرت و آگاهی طالب  
 و در یشرفتم اینمقصود جاهدند بعضی مطالب هست که  
 نمیتوان اظهار کرد پشت و پناه ما در همه کار آن  
 بزرگوارانند ما خود این نعمت گران بها را از دست  
 گذارده ایم و فریفته اموال دشمنان شده ایم

هیچ چیز وسیله ترقی و اعتلای دولت و مات ما  
 نتواند شد مگر اتفاق حقیقی این دو حکومت - درمان هر  
 درد در نزد علماست میخواهیم مالیه دولت را اصلاح  
 کنیم و بر ایراد خزانه بیفزاییم باید ایجابات  
 زمان را بحضور مبارک علما عرضه داریم میخواهیم  
 ملت آطافه هرگونه فداکاری نشود باید از حضور  
 مبارک ایشان چاره جونی نمایم و همکذا آنچه که نمیتوانیم  
 بشماریم و علمای ما از قید همه چیز آزادند نهایت است  
 بر درد کار بخوبی آگاهی ندارند باید همه روز وزرای  
 دولت کتابچها با مردمان متدین با اطلاع بمصور علمای  
 بزرگ روانه نمایند و همه دوره از ایجابات زمان آنها  
 را اطلاع داده و امداد طلب نمایند علمای عتبات عالیات  
 خود را بدان زاویه مندرس کشیده و از قید هرگونه  
 آرایش رسته اند - باری این سخن پایان ندارد والسلام  
 باید قانون مسئولیت هم ناصواب دید آن بزرگواران  
 وضع شود تا عموم ما بدون لا و نعم به پذیرند

کمتر آدمی در ایران یافت میشود که ملتعت  
 مضرتهای شهرت تقاضی و اختلاف بین ارکان شرع  
 و حرف بوده باشد

همین اشهرار اختلاف بین این دو قوه روحانی و  
 جسمانی مایه جبارت جهال ملت و دشمنان خارجی  
 شده است و هرگونه خلل به شیوات دولت و مات  
 وارد آورده و می آورد - داد از این سابقه های کج  
 و اندیشه های معوج حال آنکه چه از برای عصمت  
 و اقتدار دولت و چه از برای رفاه و سعادت حال  
 رعیت وجود محترم اساطین دین متضمن نعمای  
 یشهرار است که سایر دول و ملل از اینگونه نعمت

مردم و ب بهره اند و با اندک مراقبت و مواظبت از میان دستگاه شرع و عرف این اختلاف مرتفع و بجای او وفاق و اتفاق بروز مینماید

امروز در ایران از همه کاری لازم ترا اجرای قانون مسئولیت و اتفاق حکومتمین روحانی و جسمانی است

افسوس که بر تکالیف شرعی و قدسیه علیه اعلام و نایبان حضرت امام تکالیف چند مخلوط شده مانند

آنکه در کسبه از زرحال صکهای قلب بشهر داخل و مخلوط شده باشد اما تمیز و تشخیص و انتخاب آنها

بحکم شرع بر ذمه آن بزرگواران واجب و فرض است زیرا حیف است که خلص با اختلاط - صکه قلب

مغشوش و از اعتبار ساقط گردد باید پناه برد از شر صکانکه خود را در حضور آن بزرگواران با

آنکه سر تا پا غش میباشند خاص عیار بخرج داده و اسباب توهین شریعت را فراهم آورده مایه فساد

عتاید ملت میگرددند - امیدواریم که از مردود دستگاه شیاطین اس بارود آید و رفته رفته خلص از

قلب تمیز داده شود چنانچه از روزی که آن نا مبارک با راستکار از سرکار دولت برکنار شد آنا فنا بر

رونق دستگاه دولت می افزاید و کارها در تحت انتظام در می آید - روزنامه مقدس جبل المنین که همه چیز

خود را در راه اعتلای دین و دولت فدا نموده و جز رائق پشه و اندیشه نداشته و ندارد و مدام وسیله

رسانیدن مرض اعظم مظلومین بدربار اقدس شهر یاری میباشد و دزدی و تاراج نمک ناشناس را افشای نماید

محض ستر اعمال شنیعه خود از دخول ایران منع نموده بودند - ولی در سایه اقدامات نواب اشرف

اعظم صکه جز اعتلای شان دولت و رفع واقص و اصلاح ماسد قصد و آرزوی ندارد رفع شبهه شده

و اجازه دخول عنایت شد و حال آنکه مسلم جهان است هر دولتی که طالب ترقی و عدالتت باید بمطبوعات

آزادی مرحمت فرماید - زیرا مسلم است فهم هیئت اجتماعی یک ملت بر فهم مدودی از آنان تفوق دارد

علاوه بر آن کسانی که مباشرت بکارها دارند بر معایب کار و سهو و حماهی خود بدرجه آن صکانیکه از

خارج بکارهای ایشان ناظرند متفت نتوانند بود گذشته از آن سلاطین و وزراء دلاوی قوه قیدی نیستند که

در هر گوشه مملکت هر قوماتی که روی میدمد و با هر ظلمی که بر افراد نبیه وارد می آید با آن قوه آگاهی حاصل

نمایند لذا اگر مایل گشتند بساط عدل و بر چین بساط ظلم باشند محتاج گفتش و مخبر میباشند - و آنکسی

محقق است صکه غدر و ظلم و قلب و اختلاس از مأمورین بصدر می رسد و چون اکثر مأمورین خود

مرتکب ظلم و ستم و افراط و تفریط اند مجبور از ستر عیوب يك دیگرند - هر قدر پادشاه و شخص اول

دستگاه سلطنت مایل بداد و عدل باشند در صورتیکه از وضع حرکات مأمورین و حکام آگاهی نداشته باشند

مات از تمایل ایشان بطرف عدل و داد بهره ور نخواهد گردید ولی اگر بمطبوعات آزادی مرحمت شود اهالی

بواسطه روزنامه بداد خواهی برخواسته و بتوسط روزنامه بعرض اشتکا مبادرت خواهند ورزید - علاوه

بر آن مردمان آگاه در میان ملت بسیار هستند صکه میتوانند تمیز نیک از بد و پسندیده از رد بدهند و در

هر گوشه و کنار مملکت مسائل سیاسی بسیار بروز میکنند که هر يك از برای دولت در آتی مایه اشکالات گوناگون

تواند شد و مأمورین یا از عدم فهم و یا بسبب ارتکاب ابدآ اعتنا به آنها ندارند و باید ذات اعلی حضرت اقدس

شهریاری و وزارت عظمی با افکار بلند شاهانه این خصوصیات را از نظر مطالعه دور ندارند

معلوم است همینکه قانون در مملکتی وضع شد عموم در صدر بدست آوردن راه سلامت برخوردارند آمد و

نتیجه خیانت و خدمت را خواهند اندیشید - ولی امروزه همگی چون از عدم قانون نتیجه خدمت و خیانت را

یکسان میدانند هرگونه خیانتیکه در ضمن او اندک منافع شخصی مشاهده نمودند با کمال جسارت و بی باکی

اقدام می نمایند و بیعت و ملك بلکه سلطنت فروشی را حزه هیچ بیچاره امیدواریم در پرتو اقدامات حضرت نواب

اشرف ارفع و الا شاهزاده و اعظم از برای هر کار قانونی وضع شود - قانون یک حکم است پادشاه است حکم باشد

نه عمر وزید و این قرعه شوکت و دولت و سعادت ملت بدست مبارک ایشان کشیده شده بجه نیک نامی اند

گردد و ملت در سایه هم آن بزرگواران از این گوناگون مانند قوم ژاپون به ترقیات گوناگون

پیش از این نگاشتن شاید



مکتوب یکی از دانش پژوهان

اعلان چاپ شدن کتاب (کسری نامه) مایه امتنان شد و فوراً خطی نوشته خدمت جناب آقا مشهدی همد به بمبئی (دنکین رود) نمبر (۵۳۸) فرستاده - يك جلد فرستاد دو رویه دادم - الحق از مطالعه آن لذت بردم - اولاً چون دارای شرح جهان گیری و جهان داری (کبیسرو) و (اردشیر) بابکان و (شاپور) ذوالکثاف و (نوشیروان) و (خسرو پرویز) میباشد که بزرگ ترین سلاطین روی زمین بوده اند حصول اطلاع کامل از تواریخ اینگونه اسلاف مایه افتخار و سرت بسیار اخلاف است

چون (کسری نامه) جکیه قلم فصاحت شیم مرحوم سان الملک مستوفی دیوان اعلا میباشد صحیح و فصیح . ملیح مرقوم فرموده اند - راستی برای بزرگان مایه تفریح و بجهت اطفال اسباب تطمیع و تکمیل است و باب کننده این کتاب خدمتی بملت نموده است - یکی از سنات کتاب این است که ساده و شیرین نوشته شده است - لهذا فارسی زبانان را عموماً ایرانیان را خصوصاً رفتن کسری نامه مفید و بجهت اطفال مدارس واجب است

مکتوب

دو مکتوب در باب خبط و سهو سابقین از رجال ولت ایران در آشتی و صلح بادولت روس در روزنامه ندسه جبل المتین مرقوم رفته بود ملاحظه نمود - در رساله ثانوی شماره (۹۲) صفحه (۸) نوشته شده که ایب السلطنه و خاقان مرحوم در جن سلطانیه علماء را بک روی یخ و جهاد را برای عدم صلح بواسطه صلح راهان بهانه قرار داده بودند بدیهی است که حضرت ایران پناه عباس میرزای نایب السلطنه بمینو رواش هم باد از اولادش خطه آباد باد

بدانش و بینش عظمت و کفایت و شهامت و شجاعت از امثال اقران بمراتب امتیاز داشتند و در هم خیزان شاهنشاهی ایران بودند - و در جنگ و بلکه میتوان گفت که شایان شأن آن شاهزاده بزرگ پادشاه و اقرب سلسله نمود و قوت و قدرت و جلالت و

شجاعت ملوکانه را ظاهر و آشکار فرمود چنانچه یکی از سیاحان یا سفیر دولت فرانسه که ادراک خدمت شاهزاده مغفوریافته صریحاً نوشته است که (به امپراطور روس حالی کرد که بادشمن قوی جنگ میکند) سلامه بعد از خرابیهای جانشینان سلاطین جنت مکین نادرشاه و کریم خان که ایران ویران و سرداران داخله آماده نورش و سرحد داران خارجه و همسایگان مستعد یورش و اوایل سلطنت سنیه قاجاریه بود باوجود اینها شاهزاده عرش آشیان سالها بادولت روس جنگ کرده و بمصالحه گلستان به پایان رسانیدند که در آن زمان بجهت هولت ایران بهتر از آن امکان نداشت افسوس که بعضی از شاهزادگان و امراء بعلت حسادت و عداوت با حضرت وایمه رضوان مقام و مرحوم قایم مقام خطوط خدمت علمای اعلام فرستاده و ایشان را سنگ زوی یخ کرده و اسباب جهاده را فراهم آوردند - عجا که آن صلح را بهم زدند و از جنگ هم بدر زدند و نتیجه آن معاهده ترکان جانی و زبان از هر جانب شد مسلم است که تدبیر و شمشیر شاهنشاهان جنت مکان شاه عباس و نادر شاه نام قدیم دولت ایران را تازه و ملت را بلند آوازه فرمود و شمشیر مرحمتشان نایب السلطنه مایه دوام و استحکام دولت ابد مدت قاجاریه و مذمب اثنا عشریه گردید لافا بر ملت محترم حق شناس ایران فرض و لازم است که نام این سه سلطان عظیم الشأن را مدام بخیر یاد نمایند (خدای عز و جل جمله را سه مرتبه بخواند)

مکتوب یکی از مبصرین

خدمت جناب مؤیدالاسلام والمسلمین - باکمال ادب معروض میدارد در روزنامه مقدسه جبل المتین در ذیل عنوان (تشکیل مجلس رخ ارزاق) شرحی در باب میدان ساختن آقا میرزا علی اسفرخان و اسب ناختن علاقه های طهران که در آنجا دکاکین دارند مندرج شده بود بدقت مطالعه نمود - پربروز هم که یکشنبه بود جهی از اجبا در بنده منزل تشریف آورده و از اول تا آخر قیل مجلس نقل گفتار و رفتار علاقه ها بود چند نفر فرمودند که باور نمیکم که علاقه ها این چنین بی انصافی ما کرده باشند از حسن اتفاق یکی از دوستان اخبار هاشمیک در بنده منزل جمع

بود ملاحظه می نمود ناگاه اخبار رسمی دولت علیه که موسوم به (ایران) است مورخه شنبه دهم ماه جمادی الاخر سنه (۱۳۱۵) تخاقوبیل نمره نه صد و بیست دو بدست او آمد و در صحنه دوم در زیر اخبار خبر رسمی ولایات ممالک محروسه دار خلافت با همه این چنین مرقوم و فته است زاب والا شاهزاده نیرالدوله حکمران محض تنزل اسماء اجناس و توفیر اوزاق و مزید آسودگی و دعا گوئی صکافه امالی بر حسب اوامر و اشارات علیه ملوکانه و تسویات خاصه وزارت عظمی (یعنی مرحمت پناه حاجی میرزا علی خان امین الدوله) ترتیبات جدید و قرار های مفید در باب نزول و ورود اطعمه و اجناس بدار خلافت داده از جمله و سایط فروش بار اجناس را از علاف و دلال و قبان دار و سایر عماله میدان سابق که اسباب کلی گران اجناس و نرقی اسماء بود بالمره از میان برداشته و محل ورود و نزول و فروش بار اجناس را از هر قبیل آزاد کرده و خدغن های اکیده در این باب نموده و اعلانات بطبع و انتشار رسانیدند. از این حسن تدابیر و اقدامات شکر گذاری تمام برای قاطبه امالی حاصل شده امیدوارند بمرور نزل کلی در اسماء بهم رسانیده و همه چیز از اجناس و اوراق بواسطه این آزادی و رفع قیود و موانع بالنسبه بسابق خیلی فراوان تر و ارزان تر شود انتها

ضمیمه صاف و خاطر با اصاف بعد از اطلاع نیز عنوان فوق اعتراف می کند که مضافین معروضه که در باب علافهای طهران مشروح بیان شده صدق محض و محض صدق است. لهما از توجهات حضرت اشرف شاهزاده معظم وزیر اعظم که شب و روز در اصلاحات ملک و مملکت و رعایت شرایط دولت خواهی و حال رضایت و مسرت خاطر دریا مقاطر اقدس شمساهی مراقبات و مجاهدات واقیه مصروف می دارند امید می دارم که قیمت همگی نمای الهی در ممالک ایران بزودی ارزان شود بنده بقدر سهم خودم در کمال ادب از تفقدات. مراسم وزارت عظمی بهزاران زبان عرض تشکر می کنم و از همت و کفایت جناب محتاوالسلطنه که نظم این کار بزرگ را به بهترین وضعی مقرر فرموده جداگانه شکرانه دارم

اگر از کار فرما روی دستی در میان باشد  
بناخن سنگ را آینه سپاسی توان کردن  
قابل توجه جوانان

وقایع نگار جبل المتین چند روز پیش وارد شهر...  
شدم و در مهانخانه منزل نمودم دیروز بعضی ملاقات با یکی از مشاهیر شهر که از آشنایان بود بسرای اورفته وی را افسرده خاطر یافتم و در ضمن صحبت دریافتم که چند سال قبل بجهت عروس فرزند خود مبلغ هنگفتی قرض دانسته و قرض گرفته و قرار داده است دین خود را با تنزیل قسط بقسط ادا نماید. یک دو سال بعد از آن بعات اران یک ده که بتیول داشته خراب شد باین جهت کارش بتنگ دستی منتهی گشته و حال آنکه این شخص بدر بر پدر از متمولین آن کشور بوده و خودش هم صاحب ثروت و عزت بوده است. باری غرض بنده غیبت آن نیست بلکه مقصود عبرت جوانان است خاصه مسلمانان که در سور و سرور و زفاف مبالغه گزاف به تذبیر و اسراف اشخاصی که دارا میباشند در این معامله و سودا باخته بعضی هم املاک موروث ترهین ساخته و خود را از پا انداخته خرج می کنند. ولی بعد از بیداری از خواب که آب از سر مبارکشان گذشته است برای تلاش معاش از حجله و اندرون بیرون آمده و عروسی برایشان هنامی شود. چه بسیار ظاهراً و آشکار است که تا شخص فرید و وحید است غنان اختیار خود را دارد و در حالت تنی دستی از هر راه فرار و بهر جا قرار می تواند کرد. و لاک از وقتی که خیال عروسی کرد باید از هر گونه تمایلات نفس دوری گرفته و همیشه در فکر اندیشه آن باشد که بعد از این من دارای زن و خانه و فرزند خواهم شد و اینها همگی محتاج مخارج بسیار است که لابد و ناچار بپردازد و این هم روز بروز در افزایش خواهد بود. پس باید از اول بدین خیالها باشد نه در اندیشه هوا و هوس که من عروس باید سنگین و بساط ولیمه رنگین بگردم. بگردد یکی بسبب سوده شدن دهن قیچی از بهار بیفتد و این یکی بمحض بر چیده شدن بساط از یاد برود. ولی حسب نیاز و بقایای جای مانده و این هم در میان عروس و داماد عمدتاً نزاع و هرگونه دید و سرگرد

من آنچه شرط بلاغ است با نوی گویم)  
(نو خواه از سخنم بند گیر خواه ملال)  
ترجمه از روزنامه طمس بمبئی  
روزنامه طمس بمبئی قوت قلب و غیرت ملی ژاپونیا را  
بسنجیدگی یکی از عورات ژاپونی و روسی نموده  
چنین مینویسد

یکی از زنان ژاپونی که دارای دو طفل بود با  
ملتهای قوت قلب جوانان خود را در قشون دو طلب  
ژاپون شامل ساخته سوار جهازشان نموده بخانه خویش  
معاودت مینمود - در حین معاودت یکی از اقاربش  
اورا ملاقی شده گریانش دیده بدو گفت میدانم از فراق  
جوانان خود در تعب و رنجی آیا تسی نورا مجبور  
نموده بود؟ آن شیرزن در جواب گفت گریه من  
برای آنست که چرا زیاده بر این فرزند نداشتم  
تا در راه وطن خویش قربانی نیام

از آن طرف یکی از زنان سرداران روسیه که در  
بندر آرتر در محاصره بود خطی به جنرال (کروبانکن)  
مینگارد و در آن خط جمیع انبیا و اولیا را شفیع آورده  
تدیبری میخواهد که ازین محاصره خارج شده بجانب  
روسیه رفته چندی بیاساید - مسلم است که موازنه  
غیرت ملی و قوت قلب این دو زن برای پیشرفت کارهای  
ماتی و دولتی دولتین متخاصمین کافی تواند بود

ایضاً

اخبار مذکور مینوسد چند سال قبل یکی از جنرالان  
انگلیس بسیاحت وارد بندر آرتر شده برای اصلاح  
سر و رو بدکان دلاکی رفت چنانچه قاعده همه دلاکان  
پر حرفی است - دلاک مذکور نیز آغاز بصحبت نهاد اندک  
اندک سخن مختلف شده عاقبت به بندر آرتر و جنگ  
روس و ژاپون منتهی شد - جنرال انگلیس میگورید که  
من بدلاک مزبور که از اهل ژاپون بود گفتم که با این  
قلمه جات محکمی که روس میر نموده و این اهمیت  
مقامیکه سر بندر آرتر مشهود است هیچگاه تصور  
نمی شود که ژاپون با دولتی دیگر بتواند فتح و غلبه  
این بندر جویند - جنرال انگلیسی میگوید که از استماع  
هم چنین سخن من دلاک درهای دکان را مسدود ساخته  
بلکه میتوان گفت بدستم تو انگلیسی و مغلوبیت روسها را  
پادشاه و اقارب ناس خود را بر تو کشف مینمایم - فوراً درجه

را باز کرده نقشه جات و کاغذات جنیدی که از روز  
اول بنای بندر آرتر را تا کنون کشیده بود ظاهر کرده  
بعد از آن گفت که من خود یکی از سرداران بزرگ ژاپونیم  
که برای کشف این معاملات ساهلای دراز است بدین  
کسب اشتغال ورزیده خدمات خود را انجام میدهم  
اصلاحات جدیدیه یا خیالات عالییه

### وزیر اعظم

( از شماره ۴۱ )

بچشم که اهم از تمام اصلاحات میباشد آستکه اداره  
مالیه از تحت حکومت محلیه مجزی گردد بدین معنا که  
از طرف وزارت مالیه يك فرمانبور معین شود تا مالیات  
و حقوق دیوانی را بر وفق نظام صحیح وصول نماید و  
بأمور دیگر که شغل آن ادای مصارف و مخارج است  
تحويل دهد - چون فعلاً این امر در وطن مخالف  
با اقتصاد و صرفه دولتی است بمساحت چنان نزدیک  
تر آمد که وصول مالیات بر عهده حکومت محلیه مقرر  
شود - و حکومت از رعیت مالیات را جمع آوری نماید و  
از طرف دولت يك وزارت خانه بنام صندوق مالیه یا  
خزانه یا اداء مصارف معین شود آنچه را حکومت  
وصول نموده بأمور صندوق تحويل دهد و ادای حقوق  
طبقات ناس بعهده صندوق مقرر گردد پس در حقیقت  
وصول و ایصال از يك دیگر جدا شده وصول با حکومت  
و ایصال با صندوق است و فوائد این امر بسیار است

اول - آنکه چنانچه حکام را بواسطه تنزیل پول  
باید میشود بکسیه دولت باید خواهد شد توضیح آنکه  
چنانکه سابقاً شرح دادیم حکومت مالیات را در سه  
ماه از سال گذشته یعنی اول تیر ماه جلالی وصول نماید  
و هر صده ماه الی دوازده ماه در صورتیکه درست کار  
باشد بارباب حقوق می پردازد و این تفاوت که لا اقل  
صدی چهار و علی الاکثر صدی ده است بحیب حکومت  
مبرود ولی در صورت وجود صندوق این منفعت عاید  
دولت میگردد زیرا که ارباب حقوق باید با قساط معینه  
حقوق خود را از صندوق بگیرند و اگر خواهند  
جلوتر دریافت نمایند ناچار باید تنزیل اتراکر کنند و  
این خود - البتاه از قرار تومانی سه قران و دو قران و  
لا اقل سی شامی میگردد و این تفاوت بر مالیه دولت

افزوده می شود یعنی اگر آنوقت دوات صد هزار تومان میداد امروز هشتاد هزار تومان میدهد پست هزار تومان سود دولت است

دویم - آنکه ارباب حقوق بدون مطلق و طهره و دودگی و سرگشتهگی حقوق خود را میگیرند صاحب حقوق میداند که هر وقت نزول آنرا کسر کند بقیه را بدون زحمت و تکلیف از صندوق مالیه یافت خواهد نمود بخلاف آنچه در سابق معمول بود که تمام ارباب حقوق تمام سال منتظر و نگران و مضطرب و حیران بودند و بسا میشد که حقوق خود را توپان پنج و چهار قران میفروختند و گاهی از اوقات تمام حقوقش را حکومت بایمال مینمود و جمع و خرج زبانی بدولت میدادند و میگفت محلی باقی مانده است و مجبور میشدند که از هر بلد مسافرت نموده بمرکز کل آیند و از حاکم منظم و متشکی گردند و اگر حاکم در این انسا بشهر دیگر مأمور میشد همه رحمتشان هدر و هرايشان نامسموع می ماند -

سوم - آنکه آنچه از بابت غله دیوانی و تسعیر آن مدد دول میشود بجهت دولت میرود سابقاً چنانکه پیش عرض کردیم حکومت از رعیت عین غله را میگرفت و ارباب حقوق و سرباز و غیره ربع یا خمس قیمت آنرا میدادند ولی بعد از وضع صندوق آنچه از این عمر عاید شود منفعت سلطنت است -

چهارم - آنکه اجحاف و نمدی از قبل حکومت بر رعایا وارد نمی شود زیرا که آنچه میگردد از روی قبض و سند مجبور است بصندوق تحویل دهد فقط مخارج اجزاء و محاسبین را کسر میگردد و خود مطلق العنان و سرباز نیست -

پنجم - آنکه ارباب حقوق در هر وقت از سال که بخواهد میتواند حقوق خود را از صندوق مالیه دریافت دارند و این معنی موجب آسایش ایشان و اطمینان و اعتبار سنت و بروات دولتی است بخلاف سابق که سنت دواتی چندین سال در عهده تعویق میافتاد و مجبور میشدند سرافغان و تجار به نصف یا ثلث بروشند و این معنی باعث اعتباری دولت و ضرر و پریشان ارباب حقوق میگردد

ششم - آنکه سابق بر این حکام خرج تراشی میکردند

بالکلیه موقوف خواهد شد و اغتشاشات کثر حادث خواهد گردید - چه سابقاً شرح دادیم که حکام بجهت مدخول خود طوائف و عصاب را محک میشدند تا بجهت رفع اغتشاش مبلغ معتد بهی در حساب دولت خرج تراشی کنند و نیز بنام اصلاح و تعمیر مبانی سالیانه محسوب میداشتند در حالیکه آن ابنیه بواسطه بی مبالائی حکام اغلب مندرس و بایر و مشرف بر انهدام آید بلکه بسیاری از آنها را جز نامی در صفحه حسی مانده

راستی این مطلب خود از غرائب و عجایب است زیرا که در تمام دول عالم و مللی که دارای يك عنوان حکومت و سلطنت اند خواه تمام متمدن یا نیم متمدن یا وحشی باشند عمارات دولتی و قصرهای سلطنتی و منازل سرباز و قراولخانه و میدانها و تفرج گاهها و منارلیکه بجهت ورود مهمان مقرر میشود و غیرها موجود است زیرا که این خود از لوازم سلطنت و شرایط استقلال دولت است و از طرف دوات یک نفر رئیس

بنام وزارت ابنیه و عمارات دولتی مقرر است با چند مهندس - و معمار تکلیف رئیس اینستکه بهر يك از ولایات مهندسی بفرستد تا عمارات دولتی را رسیدگی و تحقیق نماید و هر يك محتاج باصلاح و تعمیر است باز دید مخارج و مصارف آنرا نموده بوزیر راپورت بدهد و بعضیها که لازم است از نو عمارت بنا شود بواسطه تغییر در وضع پلتيك و غیره که سابقاً محتاج به عمارات دولتی بوده و اسرور وجود این عمارات بحد لزوم است - فی المثل بندر انزلی بواسطه آنکه سرحد و دهانه بلاد خارجه است و اکثر وزراء مختار و اشخاص محترم و مأمورین فوق العاده بواسطه همین بندر وارد ایران میشوند - دولت را لازم است نظر با احترام مأمورین دولتی عمارات چند در این بندر کوچک تهیه نماید و این مسئله ابداً ربطی بحکومت محلی ندارد و رسیدگی و تحقیق او و نه راپورت و اطلاع دادن بوزیر به تعمیر نمودن وی و هم چنین استحکامات سرحدی و بناهای حربی و قلمهای نظامی و آنچه راجع بوزارت جنگ است نباید در تحت حکومت باشد بلکه از قبل وزیر جنگ مخصوص لازم است - و شاید در اکثر نقاط مأمورین موجودند و سالیانه مرسوم و جیره



وعلیق الدواب و مخارج تعمیرات از دوات میگیرند. ولی بواسطه عدم انتظام و اضطراب یوم فیوم تباہ تر و فاسد تر میگردد قلاع نظامی مخروبه نوبهای بزرگ و کوچک در روی خاک و باران و آفتاب میماند و اسب های توبخانه یا فروخته شده یا مشغول بارگسی هستند و ما انشالله در باب اصلاح وزارت جنگ شرح این مطلب را مفصلاً خواهیم نگاشت. مقصود از این انتظام آنستکه این طرق منافع حکام که موجب خسارت دولت و خرابی عمارات دولتی و قلاع نظامی و غیره است موقوف گردد. ازین و بعد یا بمصارف خود میرسد و عمارات تعمیر میشود و بر آبروی دوات میافزاید یا آنکه تعمیر شده بر مالیه دولت افزوده میشود خلاصه فواید صندوق مالیه بسیار و آنچه عرض شد نمونه از بسیار است

شاهزاده وزیر اعظم که تمام همش در اصلاح امور دولت و آسایش رعیت و رفع خرابیهای سابقه است بر حسب اراده سنیہ بندگان اعلیٰ حضرت اقدس هاپون شاهنشاهی بعد از احضار حکام و رؤسای ولایات و شاهزادگان عظام در صدد شروع این مقاصد خیریه که باعث رضای خدا و خوشنودی خاطر اقدس هاپون و حفظ ملک و دولت است بر آمدند و این مسئله پیچ در پیچ را که بهیچ اصول جبر و مقابله حل نمیگردند در صدد انحلال بر آمدند و اقامت انجام این امر بزرگ را از اعظم وقایع و حوادث ریخی توان محسوب نمود صحیح است بترکیب مالیه دوات روس را اصلاح کرد و میکادو عمل مالیات ژاپون را بر اساس صحیح قرار داد ولی تمام زحمات آنها فقط در یک مسئله بود که تطبیق دخل بر خرج باشد ولی دولت ما را امروز از اثر شرارت و خیانت سابقین و طمع و جلب منافع شخصی وزیر سابق چندان کارها در هم و میفروش بودی که اصلاح آن در این موقع ما را تصور عقول بود و عقول سیاسیون بزرگ ما عقده آن حیران از یک طرف دولت را مقروض و پریشان نموده از اقصا تا اقصای ایران کرور رهن اسب و چنان از این بابت دست میزدند که بکمترین کارهای خود رسیدگی بلکه میتوان گفت که خواب و حور راحت و آرام از ذات پادشاه و ائمه و وزراء خیر جواه قطع شده. مخصوص

وزیر اعظم که بکنه کلیه امور از تمام مطلع تر و باصلاح مقاسد از همه راغب تر. بلکه بعد از ذات هاپونی وزیر اعظم مؤسس این اصلاح است پس ناچار باید راهی بجهت پرداختن این قروض که بعضی صرف هوا جس جهانی و فضائی وزیر اسبق ما شده و برخی در بانگهای اجانب جبهه مثل امروزی گذارده و سپرده است در ظرف چند سال پیدا نماید

از طرف دیگر مخارج بالنسبه واردات مضاعف یعنی چندان بمنابین مختلفه در حق اشخاصیکه وجود شان اصلاً موجب ضرر نوع انسان و خرابی ایران و بدنامی ملت باستان است مواجب و مرسوم مقرر نموده که ما فوق تصور است و واردات با اینکه کفاف سیر نمودن این اشخاص را نمیباشد قسمت بزرگی هم در مقابل قرض باید بروس پرداخته شود و چون ترقی برای دولت و ملت ایران ممکن نیست مگر پرداختن این وام یعنی بواسطه شرایط میشود که در طی این استقراض نموده ما دامیکه دیناری از این وجه باقی است گمان پیشرفت ملکی در وطن منهدم ما خیالی خام و اندیشه تا تمام است پس بالبداهه نخستین تلاشی که فریضه نمت پزشک دانشور ماست هانا قلع و قمع این ماده مرض است پیش از آنکه درد مزمن شود و باعضای رقبه فساد وارد آرد و گرنه مرخص را بادویه مسکنه ساعتی راحت نموده منتج حیات ابدی و شرفی و دوام سرمدی خواهد شد و این مشکل را نه میکادو و نه پتر مبتلا و جنین سیلی خانه برانداز نه بر این مملکت رو کرده بود و نه بر آن دوات و تهیه و تدارک نشت کرور پول برای دول معظمه نیز خالی از اشکال کلی و زحمات بسیار نیست فکینف ای که رشته انتظام او قریب بقطع بود و امور داخلیه اش در غایت اغتشاش همگی میدادند که اصلاح و ترمیم یک ماده از مواد مالیه در دول اروپا محتاج تکلمات افزون از حساب است در صورتیکه تمامی شئون اداره و قانونیه شان چنان در تحت انتظام صحیح است که گوش زد شیخ و شاب و ذکر س باعث تصدیق حواطر قراء محترم است -

از طرف دیگر وجود مواجب و عوایق بحساب است در قبال این اصلاحات که بزرگترین آنها و حوره

سابق است چه اینرد بلاوة اینکه بالطبع از  
 ظنات و قوانین صحیحه ناخوش و متفر است وجود  
 آنها را طمع و جلوگیر دست اندازها و تمهیدات خود  
 میباشد - بالخصوص در این موقع بجهت مخالف و  
 معاند است که در تخریب این بنیان ترقی و انهدام اساس  
 آن از بذل مال و منال نا آخرین قوت و قدرت را  
 خویش حاضر و در طرق احداث فن و ایجاد عقبات  
 و گدازهای سخت سعی و مجاهد است و سر این مسئله  
 اولاً آنستکه در نظر عوام کالام سابقاً چنین جلوه  
 داده بود که جز خودش کسرا آتقوه و سیاست نیست  
 که اداره مملکت را مرتب نماید و هر روز که امور در  
 شرف اصلاح و انجسام است و همه کس را اطلاع  
 بر محاسن و فوائد آن حاصل خواهد شد بالکلیه  
 شارلانیش آشکار خواهد گردید و امیدش از هرجهت  
 بیاس و حرمان مبدل خواهد شد پس هرندبیر که در  
 حیات دارد و هرچینه که نفعش میرسد بکار خواهد  
 برد تا اسباب اخلال فراهم کند - و نایباً چون هراسان  
 بالطبع خواهان ارتقاع درجه و مقام خویش است این  
 شخص نیز در صدد بدست آوردن مقام اولیه است و  
 این معنی ممکن نیست مگر محض نمودن امور حاربه تا مجبور  
 شوند دوباره او را مباشر عمل نمایند آنگاه کینه دیرینه  
 را طاهر سازد و آنچه باقی مانده در تخریب هیئت  
 ملیت و ارکان سلطنت کاملاً بعمل آورد بکنه مقاصد  
 باطله نائل گردد و بر نکته سنجان خیر واضح است  
 که هر معضل و مشکلی را دو چیز حل میکند اول  
 پول که حق را ناحق و باطل را محق میسازد ستار  
 معایب و قاضی حوائج و حلال مشکلات و آسان کننده  
 صعوبات و مشکلات و پیدا کننده همدست و دوستان  
 است - دومی اطلاع از حقایق و اسرار طرف مقابل -  
 این خوش است که همش بر عداوت دولت متبوعه  
 و ملت محترمه خود کاشته شده بواسطه اتحاد با  
 همسایگان و فروختن این سامان و ازدیاد نفوذ اجانب  
 خاصه همسایه شالی و عقد معاهده مضره بحال دولت و  
 پیروی از دستور و خیالات شاهان چندانکه اشتهاء  
 داشته جلب تقدیر نموده است و ایرهای زرد و قرانهای  
 همید را بجهت روز سیاه خود ذخیره نموده فقط  
 بموجب مکتوبیکه خود بجنیفه خان در چند سال قبل نوشته

مبلغ یکصد کروور نزد بانکهای خارجه سپرده است و تماماً  
 چه قدر شبیه است حال و کردار او بکار دنیال فرانسوی  
 وزیر لونی چهاردهم کاتور - که همواره میگفت دولت  
 را خزانه نمی و دست خالی است بسا اوقات شام و  
 نهار پادشاه را بیک قرص نان میگذراید و عدم وقار  
 مدخل را بهانه میکرد در حالتیکه بر حسب فهرست و  
 نیت خودش جهل میلیون ثروت علناً و سیزده میلیون  
 پنهانی داشت و اهل فرانسه تمام میدانستند که چون از  
 ایتالیا بیاریس آمد بیکرانگ مالک نبود ولی فرقی  
 که دارد آن بفرق منافع خود بود و این در فکر همسایه  
 شالی حاصل آنکه حمایت این عامل بزرگ طبیعی باسانی  
 میتوان با کثر مقاصد نائل شد خصوصاً در قومیکه  
 حس اسامیت و نوع پرستی و شناختن حقوق ملی و  
 پادشاه پرستی و دولت حوامی در بد نشان مرده خون  
 ملیت و وطنیت شان افسرده و توحش و فساد اخلاق  
 بر طبیعتشان استیلا یافته بویژه بارة گرگان آدم روی  
 و ددان اسان صورت که بیست ناس و بیست سنانند  
 جز جلب منافع شخصی و احرای اغراض قسانی  
 هم ندارند و نتیجه زندگانی را در لهو و لعب و اندوختن  
 سود مالیه میندازند - و نیز چون سالها مباشر مقام دولتی  
 و مرجع افراد ملای بوده به نیکی از بطون امور آگاه  
 است و اشخاص مهم و مقنن و نایب را میشناسد  
 لذا با این دو دست باحداث هرگونه موانع داخلی و  
 خارجی دست دارد (ولی بواسطه واقعه غیر متوقبه مشرق  
 زمین دست راست از بیکرش جدا شد) در این صورت  
 و باوجود این مانع اقدام بمقاصد عالیه بقدر مشکل و  
 دشوار بنظر میآید ولی همت بلند شاهزاده وزیر اعظم  
 بر هرگونه موانع برتری و تفوق دارد و با هر قسم  
 مزاحم مقاومت میباید سیلابت رأیش بسختی آهن ماند  
 و استحکام اندیشه اش بمثبت (اهرام) که بزلازل سخت  
 خال بر بدانش وارد نیاید و قنور قواش ظاهر  
 نشود شاخه بید نیست که چو باد زرد (حقیقت  
 در کلبه مهم جزئی یا کلی استقامت رای متانت عقل  
 و ثبات قدم و دوام نیت لازم است و گرنه هر مست  
 عنصری را لیاقت اقدام و اهتمام مصالح عامه ناس  
 نیست و مردون همت ضعیف العقل را بیامون مروت  
 امور کشتن خطاست) و از بسو شروع بتربیت همه

اصلاح این عوائل را از نظر دورین گذرانید و طی مراحل آنرا تدارک کنید تا چون در رسیدن اجراء مقصود برآمد بحریک آن جنس و هواخواهانش و بروز پولای سیاه و سفیدش حتی اشرار و الواط بر حسب (پروگرام) مخصوص اقدام بعضی حرکات سفیسانه و اعمال بیخانه نمودند. بعضی ورق بارها منتشر کردند ولی هیئات که عامه ملت فریب این مزخرفات را بخورد و گوش بطرف این باومه فرا دارند چرا که محرك و مؤسس و فرض قاعل و ناشر نوعاً حالشان معلوم و مشهود است (من جریب الحیرت حالت به الندامه) دیگر هرگز ملت فریب نمیخورد و خود را بکام اژدر نیاندازد - (بقیه دارد)

### مکتوب طهران

( اثر خامه یکی از هواداران معارف )

مؤید الاسلام - حیت مشکور و جزایت موهور و خدمت مقبول باد - الحق داد سخن دادی و علم و ادب را از تو زنده نمودی در مراتب فرائض وطنیه و تکالیف بوعیه و خدمات مله ذره فروگذار نمودی و بایسته خویشرا بر وجه انم و اکل اداء نمودی - توفی که طارا راه و رسم تربیت آموختی و از حسیض جهل و ظلمات نادانی باوج همت علم و سر منزل معرفت و تمدن رسانیدی - آهنین قلمت را از راه مستقیم حسن سلسله و اعتدال مشرب منحرف نساختی و بدرامم معدوده فریفته نگشتی - ثبات قسم و متانت رأیت آوه گران پایه را منزلت ساخت و بال دنیا فریفته نگشته و دل نباخت حمد خدای را نامه مقدسه که روزنامه ملی ماست باز چون نیر اعظم آفتاب حساستاب رونق افزای وطن مقدس و زینت بخشای هر عباس و نقل هر محفل گردید و دیده وطن پرستان غیرتمند را کحل الجواهر بینائی شد - هر سطرش فقری از حکمت و هر خطی بانی از معرفت است - اگر چه - سی بواسطه تلاطم امواج قفق و ارتفاع غبار بلا و عن که فی الحقیقه آن روزگار را ایام جاهلیت و تاریکی و تیرگی باید خواند این شمس درخشان را از آن آفتاب اقبال ملت نخبه ایران طامع است از لانه انوار فیض و سعادت بوطن مقدس خود طامع آمدند ولی عاقبت پرده سیئات اعمال و افعالشان را هم حجب میگرداند بلکه میتوان گفت مقدسه چاک زده ببنزای کردارهای ناشایسته پادشاه و اقارب ستمکار شدند - مینفوس در دست و دشمن و مضروب

ملت و وطن و مردود از سده سنی سلطنت و سرگردان وادی بریشانی و جیوت گردیدند زمستان گذشت و سیاهی بر جبهه و سپای آنان ماند

مقصود از اطلاع سخن آن است که امروز حالت ملت را قیاس به چند سال قبل نتوان نمود عالم را نور علم فرا گرفته و لشکر جهالت در زوایای ظلمات مخفی گشته ملت را از اثر کلمات نصیحت آمیز غیرت انگیز جریده مقدسه چشم و گوش باز شده و اطلاعات از ترتیب جدیده دوره معاش انسانی زیاد گردیده قدر مطبوعات را بخوبی شناخته اند و منافع و فوائد آن را دسته بدون اغراق میتوان گفت جریده مقدسه را در ملت ایران همان نفوذ کلمه و تأثیر بیسان و اهمیت است که روزنامه (تیس) را در ملت بریتانی - و (نان) را در فرانسه و (المؤید) را در مصر شاهد این مقال آنکه در این دو سه هفته که نامه نامی زینت بخش شهر دارالخلافه گردید چنان آثار وحد و طرب و علامت بهجت و مسرت در عموم وطن پرستان و ملت خواهان پدید و آشکار گردیده که بشرح راست نیاید و در تقریر و تحریر نگنجد

هر کجا میگذری جلوه مستانه اوست

این عبارت گلستان شیخ سعدی بخاطر آمد - ذکر حیل سعدی که در افواه افتاده وصیت سخنش در بسیط زمین رفته و فصب الحیب حدیثش که چون بشکر میخورند و رقه منشآتش که همچو کاغذ زر میبرند بر کمال فضل و بلاغت او حمل نتوان کرد ولی در این مورد باید گفت که خداوند جهان و قطب دایره زمان بمعن عنایت نظر نمود بلکه انابه سعد زنجی بحسین بلیغ نمود - بالعکس اتانک نحس پنجم دشمنی بدو نگریست و از مراتب عداوت و مدمت فروگذار نمود - ولی به حسن نیت و صدق بیان و راستی و راستکاری این همه شرف را حاصل کرد - مجلدات او را چون کتب مقدس مقدس دانند و منتسین و مستخدمینش را لازم الاحترام شناسند - حالت ملت ایران را امروز در شوق بمطالعه جرائد و مطبوعات از دیگر ملل عالم کمتر نتوان گفت زیرا که با این درجه بیعلنی و بیسوادی کتونی چندان در مطالعه جریده مقدسه و ملاحظه مآثر جان آن مانی و نمیند که هرگاه

عالم و با سواد شوند لامحاله از جمیع ملل بقرائت  
جرائد زیاد شائق و مائل گردند - و مطبوعات در بین  
شان افزون گردد - از دلائل این امر شدت اهتمام در  
جمع و ضبط آن است که آخر سال مجلد و کالکسیون  
سازند - موزع روزنامه را مبشر سعادت و ناشر خبر  
و بشارت نامند

روزی در خیابان لاله زار میگذشتم دو نفر را دیدم  
آزادانه قدم میزنند و با نشاط طبیعی صحبت میدارند  
با وضعی خوش و طرزی دلکش ناشی از خلوص و  
صفاء و بری از مکر و دغا نزدیک شدم یکی از اندورا  
دیدم بدیگری گوید - سرمایه ترقی ملل و رأس المال این  
تجارت را سه چیز توان دانست - خوشبختی مانی که این  
سه در آنها بر وجه اکل موجود است و بد بخت آنکه  
از این سعادت محروم - اول خطابه که عبارت است از  
بیانی که خطیب در محضر عموم اداء کند بر وجهی  
که محرک سلسله اجتماع گردد و داعی برفوز و فلاح  
چنانکه مدوا در اسلام و اکنون در بلاد فرنگ معمول  
به و متداول است

دوم تیسار که مجسم نمودن وقایع و نشان دادن  
حقایق امور عادی است

سیم روزنامه که خبر و شر و مصلحت و مفسده را  
نشان دهد و به بیانات شیرین حس ملت را بحرکت  
آرد - نیکوکاران را توصیف و تمجید و بدکرداران  
را تقبیح و مذمت نماید - اخلاق فاسده را اصلاح  
و راه راست ترقی و تمدن را ارائه میکند و بوضع  
دول و ملل دور و نزدیک آگاه و خیر سازد - آرتفاع  
و اعتلاء و آنحفاض و ابتدال هر قوم را با علت حقیقی  
و سب واقعی بیان سازد - برده بندار را از محاذی  
ابصار جلا زند - تجارت و صناعت و احتراطات و  
اکتشافات هر گروه را برصه بروز و ظهور آورد -  
خونهای افسرده را بجوش و اعصاب قاتره را بحرکت  
آرد - خطابه و تیسار مخصوص است بمحضار مجلس  
که مشاهده واقعه نمایند و از آن بهره و نصیب برند و  
آر آن همومیت ندارد - بالعکس روزنامه که نفوذ و  
قدرتش قاف ناقاف عالم را گرمه و جبهایان را بخود  
محتاج ساخته - روزنامه است که واسطه ارتباط بین  
دولت و ملت است و جولانگاه قلم سیاسیون و ادباء -

روزنامه است که گمراهان وادی ضلالت را راه صواب  
و تشنگان حادئات عالم را سیراب نماید - روزنامه حامی  
عدالت و دادگری است و مانع ظلم و بیداد ولی شرط  
آنست که جرائد آزاد باشند یعنی سخن را بدون ترس  
و بیم بگویند و از احدی ملاحظه ننمایند و گرنه روزنامه  
صکته مندرجاتش منحصر تمقنات بجا و جابلوسی و  
نذال و تمجیدات دروغین و تعریضات خالی از اصل و  
صحت باشد بجزئی بلکه به پیشزی نیاززد و اشتغال  
مطالعه آن تسمیع وقت و اتلاف عمر شود - شرط دیگر  
آنکه روزنامه نگار بافراض شخصیه آلوده نباشد و  
اوراق جریده را وسیله جلب منافع و جذب فوائد  
خود قرار نهد محق گویند و بحق گرایند - بمبارة اخیری  
فرض نگارنده باید خدمت بنوع و ملت باشد نه آنکه  
اغفال ناس و استتار حق و استظهار باطل - شرط دیگر  
آنکه نویسنده صاحب علم و اطلاع و دارای فنون و  
کالات و مهارت قوت قلم و طول ید و وسعت افکار  
باشد و از احوال و اوضاع ملل و حفرایای و تاریخ  
و علوم سیاسی آگاه و خیر و با وضع حالیه عالم  
مأنوس و بصیر و با حبر ارکیفیت بلتیک تا آنچه نویسد  
از روی صحت و ممانت و دوسقی باشد آسان برسان  
نبندد و شتر به زردبان نفرستد - صفحات روزنامه را بیاوه  
سیاه نکنند و از ژاژ و بهوده پر ننمایند - الفاظ خالی  
از معنی و کلمات عاری از مدلول ذکر ننمایند - هرگاه  
این شروط جمع گردد آنچنان جریده را باید مقدس  
دانست و محترم شناخت و چون کتب مقدمه هادی و  
راهنمایش باید گفت و بر ملت است که قدر این گونه  
روزنامه را بدانند و از خداوند قوام و دوام آرا  
ملتمس شوند

چون سخن گویند باین مقام رسید بی اختیار  
بدون سابقه آشنائی و واسطه دوسقی پیش رقم و روی  
سلام داده گفتم هرچه فرمودی همه را بسمع قبول  
شنیدم و بجان و دل پذیرفتم اکنون بگویی که در بین  
جرائد کدام يك باین صفت مذکور است که  
توان ساعتی بدان مشغول شد و خاطر را از غصه های  
دولت و ملت فراغت داد - پاسخ داد خود بدان که  
جرائدیکه در قید اطاعت و حکومت رحال است  
از بسکه بملق و تمجید مضطرب گشته اند تغییر مسک و



تبدیل قلم بزودی نتواند داد ولو آنکه بآنها آزادی نامه نیز بدهند چه بزرگان گفتهاند (الماودة کالطیمة الثانویه) و روزنامهجات خارجه نیز مدتی است ممنوع و قدغن است - گفتم اکنون ترا بشارت دهم که روزنامه جلالالتین آزاد گشته و تاکنون يك نمره آن منتشر و شایع گردیده گفت اگر امت قدر آرا بدانند و قیمت زحمات مدیرشرا بشناسند - چهار سال است که قدغن گردیده از فرط غربت و محبت يك هفته تعطیل نمود با اینکه هر ساعت هزاران بلیه و صدقات گرفتار میباشند معلوم است کسیکه با اول شخص دولت طرف شود و بالصراحه قبایح افعال او را آشکار سازد ولو در اقصای عالم باشد هر روز اشکالات در جلو او بترانند و مواعق فراهم کنند ولی این زنده مرد وطن پرست مواعق را در راه خدمت بملت خود ندیده انگاشت - بای فشرود و ایستادگی کرد با دشمن دولت و ملت را ذلیل نمود و بر گردن آرزو که آسایش ملت و ارتفاع شئون دولت باشد سوار گشت - پس چه قدر لایق است همگان قدر زحمات او را بدانند و این صکنج شایان را برایگان از دست ندهند بچاره مدیر (اختر) سالها زحمت کشید هر هفته با هزاران درد سر و مشکلات که در خاک عثمانی مر او را فراهم بود (اختر) را طبع نموده بایران میفرستاد بجهت هر کس میفرستادند موزع و وکیل و مدیرش را مذمت و ملامت میکردند که این اوراق مزخرف چیست و غرض از فرستادن آن چه ؟

چون این سخنانرا از آن مرد نیکراد شنیدم افسرده گشته با حالت حزن و اندوه شب را بسر بردم و بدرگاه خداوند مناجات کردم که خدایا چشمی بینا و گوشى شنوا عطا فرما که قدر هر نعمت را بدانیم و بکنران این مبتلا نشویم شب را به تبخیر رسانیده روز دیگر بر حسب سابقه آشنائی و خصوصیت بمنزل میرزا مهدیخان امیر بخش ریخانه حکه از رجال غیور وطن دوست شاه ... ملاف خواه است رقم بصحبت مشغول شد در آشنای صحبت دیدم میرزا حسین زراقی موزع روزنامه مندرس وارد گردیده اولین نمره جریده ... تا آن هنگام بجهت معزیه نیاورده بود و آن وطن پرست از وجد و نشاط چون کل ... بهار بشکفت و بی اختیار گفت

(چه خوش باشد که بعد از انتظارى)

(بامیدى رسد امیدوارى)

از شدت شادی بوحده آمده سجده شکر اداء نمود و دعاها بوحود اقدس اعلیحضرت اقدس همیونی و وزارت عظمی صکر کرد مانند عاشقی که بعد از سالها فراق و هجران بوصول معشوق رسد - روزنامه را گرفت و با شوق و شغف بی نهایت مشغول مطالعه گردید آن بآن بشاشت و حریمی از چهره و سپاس آشکار می شد آنگاه رو را بطرف آقا میرزا حسین نموده چنین سرود ای قاصد کوی حنان و برید معشوق جهایبان ای ناشر خیر و سعادت و مبشر خوشبختی ملت آب حیات بکام تشنه ام ریختی و جان تازه بکالبد بدتم دمیدى نوبی که مرا بوصول یار دیرینه رسانیدی ایك هر چه بخواهی و آنچه آتونی تقدیم قدمم خریدم مقدس دارم و مقدس دارم و تا اندر همین امتنان هستم اینك خواهش دارم خالق از من بیذبری و بیکر خود را بدان آرایش دهی - آنگاه امر صکر کرد يك سرداری بسیار ممتاز که مخصوص خود آن شخص محترم است آورده بمشارایه سپردند و اسکیدا خواهش نمود که هر هفته بدون درنگ نخستین نمره خدمت ایشان آورد - چون این مراتب را بچشم خود دیده دانستم که امروز ما قدر مطبوعات خود را بخوبی شناخته اند خداوند همگی را توفیق عسایت فرماید که هر يك بقدر قوه در خدمت بعالم معارف و مطبوعات کوتاهی و قصور نماید شاید رونقی در این باره کاسد تمدن پیدا شود

خبرخواهات و خادم دولت (ع - د - ح)

### مکتوب از بنی

در بمبئی دوباره محض فیصله دومرافعه که در آنها آقا محمد علیخان نیره حاجی محمد و حیمجان شیرازی از آقا میرزا محمد امین التجار نیره حاجی زین العابدین مرحوم حقوق خود را ادعا نموده و در یکی حق زوجیت والده مرحومه خود را به ثبوت رسانیده و مبلغ یکصد هزار رویه گرفت و در دیگری مصارف و مخارج خود را گرفته صلح نمود (آیشل اسپن) بنی و سکیل افلاس که وی نیز از طلبکاران حاجی محمد

رحیمخان بود بمجرد استماع اینکه مرافعه دوم بصلح انجامید دعوی خود را از مفلس سکه حاجی محمد رحیمخان باشد در محکمه افلاس پیش نمود

و در (اطلاعنامه نویسی) خود مطالبه رسید و ببصورت نه هزار روپیه که محمد علیخان پس از مصالحه مرافعه ثانوی به آقا میرزا محمد رد کرده بود نمود - ایز مدعا علیه جواب باره نمودن سند مذکور وغالب اسناد دیگر را شنید لهذا در انعقاد محکمه افلاس بمختور قاضی (جسترس رسل) شرح حال خود را ظاهر داشته حکم در حاضر ساختن اسناد بروز ۶ جولائی را حاصل نمود - این مرافعه چون ساداست بوضعیهای مختلف ظاهر شده گویا مختصری از متصل آن قابل درج در نامه مقدمه جیل المابین بوده باشد

روزنامههای انگلیسی بمبئی هر يك رویداد روزانه مرافعه را نوشته و خواهد نوشت و اگر چنانچه مدیر محترم روزنامه مفید نیز برای فهم عموم ایرابهای بمبئی که غالب انگلیسی میداند سرگذشت بشرا بموجب این مکتوب درج فرمایند در آینده نیز آنچه در روز انعقاد مجامع مرافعه محکمه افلاس در خصوص این مقدمه گفتگو بشود عیناً ترجمه شده فرستاده خواهد شد

تفصیل این مقدمه که الحال در محکمه افلاس بعد از مصالحه محمد علیخان (آفیشل اسینی) از آقا میرزا محمد بدر مرحوم حاجی عبدالحسین امینالتجار شیرازی دعوی کرده ازین قرار است

مرحوم محمد علیخان بهادر که پیشه اش تجارت و ساکن کلکته و بعد از آن در بمبئی سکونت داشت و وکیل (نظام) دکن نامیده شده بود وعلاوه در همراهی با کپاتی هند مصدر خدمات عمده شده با امام مسقط و سایر فرماروایان مشرق زمین مکاتبه و مراسله داشت و در وقتیکه بماسنده ایران حاجی محمد خلیل خان در بمبئی نشاء شد ایرانیان این شهر دهان طمع را کشوده میخواستند که در آمووقع مبالغ زیادی از دولت انگلیس اخذ نمایند در آمووقع بر محمد علیخان خدمت نمایان مانگیسها نموده آن مافشه را با حسن وجهی قطع نمود - خلاصه چون حکایت محمد علیخان تفصیل دارد پس سر مطلب رویم

محمد علیخان در سنه ۱۸۰۰ از کلکته به بمبئی آمد و در اوایل طه می سنه (۱۸۲۰) وداع زندگی گفت بعد از نوشتن وصیت نامه و سپردن عیاله خود را به آقا محمد شوشتری سکه در آنوقت در تجارتخانه محمد علیخان نویسنده بود و این آقا محمد شوشتری از روی وصیت نامه وصی او شد

محمد علیخان مالیه وافر داشت از قبیل جهازات و نقدینه و اموال غیر منقوله و وصی مذکور که آقا محمد شوشتری باشد هیچ ما یملک موسی خود را اخذ و تصرف نمود و در حین وفاتش مبلغ کلی از مالیه محمد علیخان نزدش باقی بود و از اینجا معلوم میشود که آقا محمد شوشتری در تقسیم بقیه اموال موسی بدرستی عمل نمود - ورثه محمد علیخان مجبور شده مرافعه در عدالت (سپریم کورت) بمبئی دتر کردند در هفتم جون سنه (۱۸۲۳) بین این مرافعه آقا محمد شوشتری داماد خود آقا محمد رحیمخان شیرازی را که از چند سال پیش از ایران وارد بمبئی شده وصی خود خوانده فوت شد وفاتش در مارچ سنه (۱۸۲۴) بود - ورثه دعوی را بر حاجی محمد رحیمخان تجدید نمودند و بعد از مرافعه و مدافعه بسیار محکمه چنین حکم نمود سکه حاجی محمد رحیمخان زیاده از يك ملیون و صد هزار روپیه بدهکار است و این حکم را محکمه در (۱۷) ستمبر سنه (۱۸۴۸) اجرا و امضا داشت و (دگری) حکم (داد سکه حاجی محمد رحیمخان مبلغ مذکور را کارسازی نماید و بر این حکم حاجی محمد رحیم در (پرروی کاسل - محکمه استیناف) لندن استیناف کرد در سنه (۱۸۵۷) از محکمه استیناف لندن حکم شد که در بمبئی مجدداً تحقیق شود آنوقت در بمبئی حکم تعمیل احکام محکمه بمبئی صادر شده بود

لذا در سنه ۱۸۵۰ محکرات خود را داخل محکمه افلاس کرده مستدعی محبات نامه شده بود و بعد از آنیکه توقف شد ومدت آن برآمد بواسطه بایران برود حاجی زین العابدین نام تاجری را در پیش وکیل خود قرار داده جواهرهای قیمتی که بمبالغ کلی ارزش داشت بدو سپرده بود که آنها را بفروش رسانیده مصارف و مخارج محکمه استیناف را داده ما بقی برای بمرور آتی وارث نگهداورد - و بعد از فوت او

در ایران اولادش نیز او را وکیل خود خوانده حاجی زین العابدین درست (۱۸۵۵) بهرتهی (افیشل اسپن) بر خانواده شوشتری دعوی دائر نمود - در این مقدمه شوشترها به شیرازی صلح نمودند که شوشترها دو بست و بست و پنجهزار رویه در معاوضه هجیم دعاوی و حقوق شیرازی تسلیم نمایند که مطالبات وکیل افلاس داده شود و آنچه باقی بماند بدهند بحاجی زین العابدین مرحوم که وکیل حاجی محمد رحیم است ولی بواسطه مداخله مرحوم منعی علی اکبر خان که مدعی بود مبلغ پنجاه و پنجهزار رویه از مالیه مفلس طلبگار است و بعد از آن محمد تقی خان ابن حاجی صالح خان هم ادعا میکرد مصالحه مذکور بانجام نرسد تا اینکه هر دو مرافعه در سنه ۱۸۷۳ ضم شد باینمنی که در ماه جنوری سنه مذکور محکمه استیناف بمشی ادعای مرحوم منعی علی اکبر خان را خارج نمود و در ماه آگست عبداللطیف خان شوشتری شصت هزار رویه به محمد تقی خان داده مرافعه را صلح کرد و این در سنه (۱۸۷۴) بود - و در انشای وقوع این حالات (مستزکرت) که مرافعه شوشتری محول بلو بود اقامه گفتگوی مصالحه را کرد نتیجه آن این بود که صورت مصالحه اصلی که در سنه (۱۸۷۵) گفتگو شد در سنه (۱۸۷۵) محضی گفته مبلغ شصت و پنجهزار رویه به طلبگاران شیرازی و ده هزار برای حق السعی بدست (مستزکرت) داده شد و مرافعه را از محکمه بیرون آوردند و صد و پنجاه هزار رویه بحیثیت وکیل وارث شیرازی به حاجی زین العابدین رسید

مرافعه را که (افیشل اسپن) تحریک محمد تقی خان از ورثه حاجی زین العابدین کرد این بود که مبلغ صد و پنجاه هزار رویه از ایشان باز یافت باید بدلیل اینکه مبلغ مذکور جزو اموال منتهی به مرحوم حاجی محمد رحیم خان شیرازی است این مرافعه در حضور جنس (اسکان) خلاف (افیشل اسپن) رفت و چون (افیشل اسپن) نبود در حضور قاضی التفتات (مربارن سارجنت) و (جنس پنی) حکم برخلاف گرفت لهذا عبدالحمین مرحوم که پسر مرحوم حاجی زین العابدین باشد استیناف لندن نمود و در آنجا برطبق دعوی اوست حکم شد و افیشل اسپن چون بر پایه محمد رحیم خان دعوی نداشت نمی بایست مدعی بود که از این مرافعه گفتگو

نبود تا اینکه از آنجا اینکه گفته اند

گرفتار  
حق شود کوه و دشت را بویان  
تا رسد حق بمن لخالق از آن

محمد علیخان پسر حاجی محمد تقی خان که حاجی محمد رحیمخان جد اوست ادعای هشت يك حق زوجیت و اولاد خود از وارث مرحوم حاجی عبدالحمین آقا میرزا محمد شیرازی امین التجار حایه و غیره نمود مدعی در حضور (جنس کروت) مرافعه و مدافعه از طرفین شد ولی ناوقت محمد علیخان حکم بر طبق دعوی خود یافت که مبلغ یکصد هزار رویه از بابت هشت يك والله خود بگیرد چنانچه مذکور شد ادعای دیگر محمد علیخان طلب اولاد خود از مرحوم حاجی عبدالحمین بود مطابق رسید سجد و نه هزار رویه که بامضای مرحوم مذکور در دست داشت ورثه آن مرحوم شبهه داشتند که آیا امضا درست است و اصابت دارد یا اینکه ساختگی است تا اینکه از بعضی جهات عذیده و گفتگوئی که در خصوص اصابت امضا در محکمه پیش آمد شبه برداشته شد و چون وقتی از برای اختتام مقدمه بمانده بود و فقط یکروز دیگر باقی بود و از رموز کار و پیشرفت طرف مقابل یقین کلی حاصل بود لهذا بصحبت هرچه تمامتر طرح صلح انداخته یعنی فقط وکلای طرفین مصالحه را امضا داشتند و محمد علیخان خبر نداشت چون خبردار شد او را از (افیشل اسپن) ترسانیده فقط یکصد هزار رویه از بابت هشت يك والله این بوی دادند و مخارج هر دو مرافعه را تماماً آقا میرزا محمد متحمل شد که گویا از صد و ده هزار تجاوز بوده است و از قرار اینکه شنیده میشود قریب چهار صد هزار رویه متصرف شده اند

روز دوم بعد از مصالحه ناگهان (افیشل اسپن) خبردار شد که کار طرفین بمصالحه انجامید فوراً در محکمه افلاس حاضر شده (دگری - حکم) خود یعنی اجازه نامه بر مالیه مفلس که از قدیم در دست داشت پیش کرده اجازه خواست که اسنادی را محمد علیخان پس از مصالحه به آقا میرزا محمد رد کرده که از آنجمله است رسید سجد و نه هزار رویه و آنچه پیش خود آقا میرزا محمد موجود است مدعی و مدعی الیه آورده در محکمه امانت بگذراند بصورت اجازت که از

رحیمخان بود بمجرد استماع عیناً در ذیل برجه میشود  
 اجسامید دعوی خود را ازیل اسینی برطایه مفاس دارد  
 رحیمخان باشد در محکمت که رحمتس کبالی بعد از  
 موردر (اطلاعنامه نوبتیه می سنه ۱۸۷۷) برطایه حاجی  
 محمد رحیمخان که عمر صادر نموده است که در هر جا و  
 در هر موقع طایه حاجی محمد رحیمخان یافت شود ضبط  
 نمایند تا کنون چنین موقع اتفاق نیافتاده بود که یک  
 واسطه تحریک که مبنی بر احقاق حقوق باشد ظاهر و  
 هویدا گردد و علی رؤس الاشهاد طرف گفتگو شده  
 خسارت کلی بطرفین رسانیده خود بحالت اصلی باقی  
 و پایدار ماند. واسطه مذکور همان نوشته مستوره بود.  
 که اصالت مفقود و عکس موجود است و حکمی که  
 (افشیل اسینی) گرفته است محض شهادت گرفتن از  
 طرفین که مدعی و مدعا علیه یعنی آقا میرزا محمد و آقا  
 محمد علیخان باشند جمیع خطوط و اسناد که الآن در  
 دست است آنچه را محمد علیخان دارد روز ۶ جولائی  
 با خود در محکمه حاضر سازد و همچنین آقا میرزا محمد  
 آنچه را از محمد علیخان گرفته است و آنچه خود  
 دارد که راجع باین مقدمه است نیز در همان روز  
 حاضر سازد و آنهاییکه مفقود است تماماً سوادش در  
 محکمه است و رسید اصل که مذکور شد عکس  
 کفایت میکند این تفصیل مقدمه ایست که از روزنامه  
 طمس مبنی ترجمه شده است (باقی دارد)

مکتوب از انزلی

بالمهای سنگ گداز حاجی ملک المتکلمین - سراعظ  
 اصمغانی بعد از اینکه باهالی انزلی اثر خود را بخشید و  
 مدرسه (عضدیه) احداث نمودند معلم از طهران وارد  
 و روز دوزدهم ربیع الثانی که روز افتتاح مدرسه  
 مذکوره (عضدیه) بود عموم اعیان و اشراف در آن  
 محضر محترم شرف حضور بهم رسانیده هر یک از اولیاء  
 دست اطفال خود را گرفته بمدرسه سپرده بت دفتر  
 نمودند - سپس آقا میرزا محمود دامغانی معلم مدرسه برای  
 خاسته تعلق و خطابه متصل ایراد و قرائت نمود و  
 آن بن است

خطابه

سپاس بی قیاس بساط محمد یگانه بی همتا سزا است  
 که ساکنان سرافق عالم بالا در ستایش ذات و ذوالش

حیران و خردمندان دانا در بیان وصف جمال و جلالتش  
 واله و سرگردان (عجزت الاوهام عن ادراك كنه ذاته  
 وتاعت الافکار والافهام فی افهام صفاته) یگانه که بی نوع  
 بشر را از غایت جود خلعت آفرینش بخشود و در  
 مدارس (و علم آدم الاسماء کلها) از صرف عنایت نعمت  
 عقل و ینش افزود. فوجلالی که آراستگی لوح زیبای  
 هستی کائنات بحمد و ثنای ناممفود اوست و پیراستگی  
 و نهایت صورت بدیع موجودات بمضمون (صورتکم قاحسن  
 صورتکم) فضل و عنایت ناممفود او (موالذی  
 فی السماء اله و فی الارض اله) و صلوات زاکیات و تحیات  
 بارطاب نثار ساحت قدس مفرطالم و طالبان خلاصه دور  
 زمان پایان پیغمبرار مؤید عجبی محمد مصطفی صلی الله علیه  
 و آله و رود بی پایان بر آل اطهار و دودمان و الایار  
 او که هرمان دین اند و رهروان راه یقین سبها قطبالمو  
 حدین و بصوبالهدین و قائدالعزالمحجین اسدالله الغالب  
 مظهرالعجایب علی ابن ابیطالب صلوات الله وسلامه علیه و  
 علی اولاده المصومین خصوصاً حجة الله فی الارضین و نورالله  
 فی العالمین خلیفة الرحمان و قاطع البرهان صاحب العصر  
 والزمان عجل الله تعالی فرجه

در این زمان بهجت توامان که چراغ علم کران تا کران  
 کشور ایران را تافته دبستانها باز و درهای دانش بر همگان  
 فراز از آب گوارای علم نونها لان وطن آب یاری میشوند -  
 اکنون همت غیرتمندان وطن پرست و هواخواهان  
 دوات و ملت هنگام آن رسیده که نور معرفت از  
 مشرق ابناء وطن بلده طیده انزلی اشراق نماید و نام نیک  
 شما و حکایت این اساس شرافت بنیان در جرابد درج  
 گردد و قنوت و جوان مردی شما آقایان در صفحه  
 روزگار باقی و برقرار بماند - پس بو آ فیوما در ترویج  
 این کار بکوشید تمام حواس در تأسیس این عمل خیر  
 آراسته و پیراسته اید باید انظار داشته باشید درین  
 مدت که بانگ بلند شد چرا جوش جوش نکرده ایم  
 امیدواریم که من بعد بحسن خدمت پس از این همراهی شما  
 این عمل خیر پیشرفتی حاصل نماید که اسباب رفیع سایر  
 بلدان ایران مینوشان باشد - دوا سبب بتاژید تا از تکلمان  
 و همسایگان عقب نمانند فرصت را غنیمت شمارید و  
 که توفیقی رفیق لست بهر کسی ندهند - انشاء الله چون  
 استحقاقی در بنیان این کار بکار برید که در روزگار



باقی و خللی بهم نرساند و از حوادث دهر مصون باشد  
 بمحمدافه مقتضیات موجود و موانع مفقود چشم ما  
 روشن است باینکه هر يك از شما قادرید بر تأسیس مدرسه  
 علیحده چون نعمت امانت باعث این اعمال صالحه میشود  
 بر اهل این انجمن واجب است دعای دوام عمر و  
 دولت جاوید مدت اعلیحضرت اقدس شهبازی شاهنشاه  
 اسلامیان پناه خلافت مملکت و سلطانه و حضرت والا  
 شاهزاده وزیر اعظم که موید معارف اند و نیز دعای علمای  
 اعلام و سائر وزراء و الامقام را فریضه ذمت خود میدانم  
 و مزید شوکت و اقبال و احلال حضرت احمد امجد والا  
 شاهنشاه زاره آراده عضد السلطان را که مؤید این اساس  
 شرافت نیسان و بر ما حکم مهربانند ار خداوند مستک  
 مینمایم -

( از خدا خواهیم توفیق ادب )

( بی ادب محروم ماند از فضل رب )

سپس صرف شربت و شیرینی شده مجلس ختم گردید  
 این مدرسه گنجایش چهار فرسخ یازده نفر طفل یتیم  
 دارد فعلاً با کمال قاعده اطمان مشغول تحصیل اند تا  
 بعد چه شود اشخاصیکه در ابتدای تأسیس این مدرسه  
 کله کمر بر زبان جاری میکردند در روز افتتاح دیده شد  
 دست اولاد خود را گروه مدرسه حاضر شده روی  
 صدلی حلوس کرده امم شانرا دفتر مدرسه ثبت نمود  
 و بمقام اسابیت داخل گردید خداوند تو ما را از شر  
 شیاطین النسیجات بده

### تذکرات

( ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۲ - ۲۵ جولائی ۱۹۴ )

§ جنرل ( سعادت ) طاهر میدارد که دو اردوی  
 ژاپون تا توپخانه سریع الاطلاق از رودخانه ( نیستی ) که  
 مقابل ( لباویانک ) است بمیان بختان مشرق واقع شده  
 پیشقدمی میباشد - و کمک آنان قشون زیادی باسی  
 مراده توپ در حرکت اند

§ خبر ( رشت ) از ( لیبنت سن ) خبر میدهد که یوم گذشته  
 در شش میلی بندر ( یو جوانگ ) لشکریان ژاپونی  
 حمله کرده فتح باب کردند در این میدان مقصد نفر  
 از ( لیبنت سن ) روسی بقتل رسید - امروز در حقه خروج شهر  
 ( نیوجوانگ ) جنگ در پیش و ژاپونیان آهنگ آهنگ

بجانب شهر مائل میشوند

§ افواه است جهاز ( ملکه ) را که روسها گرفتار  
 نموده بجانب ( الجیریا ) حرکت داده در آنجا بقوسل  
 انگلیس خواهند سپرد

§ بابعالی در جواب اعتراض سفیر انگلیس منسباب  
 گذشتن دو چهار روس از بوغاز ( دارد نر ) اظهار  
 داشته که ازین و بعد بیچ اسم و رسم جهازات روس  
 از بوغاز نخواهد گذشت - و نیز بدین عنوان از جانب  
 وزارت خارجه عثمانی رسماً بسپروس اطلاع داده شده  
 است -

( ۱۴ جمادی الاول - ۲۶ جولائی )

§ بموجب تلگرافی که از ( نیوجوانگ - و شنکائی )  
 رسیده لشکریان ژاپونی با سی هزار قشون روس در دره  
 که قریب ( تاشیچو ) میباشد مقابله نموده چارده ساعت  
 کامل جنگ کرده طاقت آنرا عقب نشانند

§ افواه است که لشکریان روس ( تاشیچو ) را پس  
 از جنگ سخت تحایه نموده اند

§ از اخبارات رسمی روس ظاهر می شود که بتاویخ  
 ۲۴ و ۲۵ در دره ( تاشیچو ) تنور جنگ کرم بود  
 § سواران ژاپون وارد بندر ( نیوجوانگ ) شدند -  
 بر عمارات روسها علم فراسویان افراشته تا ژاپونیان  
 بتصرف خود نیاورند

§ شکست روسیان و فرار آنان از ( نیوجوانگ )  
 را سرداران روسی نیز تصدیق میبایند

§ مجدداً کشتیهای دوطرف روس جهاز ( فارموسا )  
 نام انگلیس را در دریای احمر گرفتار نموده بجانب  
 ( سویز ) حرکت داده اند

§ بموجب خبریکه از واشنگتن رسیده در کشتی ( اردو  
 بای ) انگلیسی که روسها گرفتار کرده اند دو بیست و  
 پنجاه تن باروط بوده و این باروط را اداره جنکی امریکا  
 برای قورخانه جزائر ( فلپائن ) فرستاده بود

§ خبر روتر از ( یکوهاما ) خبر میدهد که عملیات  
 جهاز ( نایت کاندو ) را جهازات جنکی روس ده دقیقه  
 مهلت قرارداده از آن بعد جهاز مذکور را غرق  
 نمودند -

§ وقایع نکار اخبار ( دیلی تلگراف ) خبر میدهد که عملیات  
 روسی جهاز ( نایت کاندو ) را روسها مرخص نموده بطرف